

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### مجموعه (اول) پاسخگویی به شبهات مرتبط با «پدیده کرونا» توسط مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

#### مقدمه

بی‌شک مهم‌ترین ابزار نظام سلطه جهانی برای بسط سیطره خود بر جهان و انسان، رسانه‌های گوناگون نوشتاری، دیداری و شنیداری است که با نفوذ به اعماق ذهن‌ها و اندیشه‌ها در صدد ایجاد بستر مناسب برای این آرزوی پلید و شیطنانی‌اند. رسانه‌های شیطنانی از طریق ایجاد تردید در باورهای بنیادین و ارزش‌های هویت‌بخش، فرایند گسست میان انسان و هویت او را دنبال نموده و او را به منجلاب پوچی، بی‌هویتی و سرگشتگی می‌افکنند و از این راه زمینه را برای سلطه‌پذیری و وادادگی به خواسته‌های جهان‌خوارانه استبداد جهانی مهیا می‌کنند؛ در این میان اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به لایه‌های گوناگون جامعه، تکلیف انسانی - الهی فرهیختگان با بصیرت و دردمند است که با اشراف کامل به فضای فکری جامعه، شبهات، جریان‌ها و افراد شبه‌افکن، شیوه‌های القای شبهه، اهداف آن و ... شناسایی کرده و با حضوری سریع، به‌روز، قوی، و مبتنی بر نیاز زمان و مخاطب، غبارهای شبهه و ابهام را بزدایند و روان‌های تشنه را از زلال معارف الهی سیراب نمایند. شبهات و شایعاتی که این روزها در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای با سرعت خیره‌کننده‌ای منتشر می‌شود جز ایجاد یأس، خشم، دشمنی، ناامیدی، درگیری‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی و فروپاشی ایران عزیز هدفی را دنبال نمی‌کند. این شبهات و شایعات عمدتاً با استفاده از تکنیک‌های جنگ روانی در عرصه رسانه صورت گرفته و شبهه‌افکنان تلاش می‌کنند تا با بهره‌جستن از نگرانی و پریشان‌حالی برخی از اقشار و گروه‌های اجتماعی به اغراض پلید خود انسجام، آرامش و اقتدار جامعه اسلامی را از بین برند.

آنچه در ادامه آورده شده پاسخ به بخشی از مهم‌ترین شبهات اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است که این روزها با بهانه شیوع کرونا و ویروس در سطح وسیعی منتشر شده است. مجموعه حاضر توسط محققان مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات آماده شده است. این شبهات، چکیده صدها شبهه‌ی رصد شده در چندروز اخیر است. امید آنکه این گام ناچیز بتواند مردم عزیز و مؤمن ایران را در حفظ هوشیاری و آگاهی مؤثر در برابر توفان شبهات و شایعات یاری کند.

**مهم‌ترین شبهات به لحاظ محتوا و حجم رسانه‌ای و پاسخ آنها**

۱. شبهه: مخفی کاری ایران در اطلاع رسانی به موقع درباره ویروس کرونا برای برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن و انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده است و این امر موجب شد تا یک بیماری قابل پیشگیری به اپیدمی تبدیل شود!

پاسخ:

اولاً؛ این مطلب صرف یک ادعای بدون دلیل است. شبهه افکنان و شایعه سازان بدون ارائه هرگونه مدرک قابل استناد جمهوری اسلامی را به مخفی کاری متهم کرده اند. این در حالی است که طبق مستندات معتبر فاصله میان تشخیص اولین مورد مبتلا به کرونا و ویروس تا اعلام رسمی آن توسط وزارت بهداشت، بیش از چند ساعت نبوده است. جمهوری اسلامی به هیچ وجه چنین کار غیر اخلاقی، غیر انسانی و خلاف موازین شرعی را مرتکب نشده و صادقانه در نخستین ساعات اطلاع از موارد ابتلا، در جهت پیشگیری و اطلاع رسانی اقدام کرده است.

ثانیاً؛ کرونا بیماری فراگیری است که امروزه دهها کشور جهان را درگیر کرده و احتمال شیوع آن در کل جهان بسیار زیاد است. ویژگی این بیماری، برخلاف سایر بیماری های واگیردار، سرعت انتقال زیاد و ناشناخته بودن آن است؛ به گونه ای که در حال حاضر جز قرنطینه افراد سالم و بیمار، اقدامات مراقبتی و حفاظتی شخصی، راهکار دیگری برای پیشگیری از آن معرفی نشده است؛ حتی تشخیص و تفکیک کرونا و ویروس از سایر بیماری های مشابه مثل آنفلوآنزا و سرماخوردگی نیز زمان بر است؛ به همین سبب هزینه های انسانی و مادی پیشگیری و درمان این بیماری برای کشورهای گرفتار شده و نیز اقتصاد جهانی بسیار زیاد خواهد بود. بنابر این نخستین و مهم ترین اقدام منطقی در برابر این بیماری از سوی دولت ها و ملت ها، اقدامات مراقبتی است. اقداماتی نظیر ممنوعیت تردهای غیر ضرور و نایمن میان کشورها، گرفتن تست کرونا و ویروس از مسافران، قرنطینه افراد مشکوک، و غیره.

ثالثاً؛ یکی از الزامات برخورد منطقی و مؤثر با مسأله کرونا و ویروس، آگاهی بخشی به مردم است تا با انجام اقدامات احتیاطی، از ابتلا و شیوع آن مانع شوند. مسأله پیشگیری از شیوع بیماری و تبدیل شدن آن به اپیدمی آن قدر مهم و راهبردی است که هیچ مصلحت اندیشی نمی تواند تأخیر مقابله با آن را توجیه کند. زیرا منافع زودگذر سیاسی هرگز نمی تواند زیان های وسیع و دامنه دار سیاسی، اقتصادی و امنیتی نظام را توجیه کند.

بنابراین، تأخیر انداختن خبر وجود کرونا و ویروس هیچگونه دلیل موجهی نداشته تا نظام اسلامی بخواهد پنهانکاری کند. البته برخی دشمنان در تلاش‌اند تا با متهم کردن نظام به پنهانکاری و یا تأخیر در اطلاع رسانی، دلایل سیاسی را انگیزه نظام معرفی نمایند؛ این در حالی است که اگر دلایل سیاسی برای این کار وجود داشت، مسئولان قاعدتا باید این کار را به بعد از ایام انتخابات موکول می‌کردند تا کاهش مشارکت مردم در انتخابات را موجب نشود. طبق برآوردهای معتبر، مهم‌ترین علت کاهش مشارکت مردم در انتخابات اخیر، در کنار برخی نارضایتی‌ها از اوضاع اقتصادی، مسأله نگرانی از کرونا و ویروس بوده است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای جهان و حتی برخی کشورهای همسایه، با وجود شیوع گسترده این بیماری، به دلایل سیاسی و یا اقتصادی، حاضر به اعلام آن نیست‌اند. از جمله در کشور ترکیه که گفته می‌شود ده‌ها نفر به بیماری کرونا مشکوک هستند، به نام ابتلا به آنفلوآنزا بستری و دفن شده‌اند. کشور امارات پس از مدت‌ها پنهان کاری در مورد وجود این بیماری در این کشور، سرانجام مجبور شد هم شیوع و هم تلفات ناشی از کرونا و ویروس را اعلام کند. در اکثر کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز اجازه انتشار اخبار مربوط به کرونا داده جز از کانال‌های خاصی داده نشده است. آنچنانکه در آمریکا رسماً اعلام شد با هرکسی که خبری غیر از خبر تأیید شده از جانب معاون رئیس جمهور آمریکا را منتشر کند، برخورد قضایی خواهد شد.

رابعا؛ این شبهه با استفاده از برخی تکنیک‌های جنگ روانی، مثل مفروض‌انگاری، دلیل‌تراشی، برچسب زنی و غیره در صدد القای اتهامی ناجوانمرانه به نظام اسلامی است. در تکنیک مفروض‌انگاری، فرد با القای یک مطلب به صورتی که گویی شکی در آن نیست، به تحلیل و تبیین آن می‌پردازد. در تکنیک دلیل‌تراشی فرد بدون استفاده از روش صحیح و ارائه هرگونه دلیل منطقی، به ساختن دلائل و توجیهاات مورد نظر خود درباره یک واقعه اقدام می‌کند. برچسب‌زنی از تکنیک‌های شایع جنگ روانی است. در این تکنیک با زدن برچسبی منفی به طرف مقابل همه بار معنایی منفی آن برچسب را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند.

۲. شبهه: به دستور ستاد ملی مبارزه با کرونا وزارت بهداشت تنها مرکز مجاز اطلاع‌رسانی درباره کرونا است و دیگر رسانه‌ها و مراکز، حق انتشار اخبار در این باره را ندارند. این یعنی مدیریت پنهان کاری و جلوگیری از رسیدن اطلاعات موثق به مردم!

پاسخ:

اولاً؛ بلاها و حوادث غیرطبیعی پرتلفات از جمله مسائلی است که موجب ترس، اضطراب و دلهره فراگیر در میان مردم شده و نظم و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. از طرفی امروزه شاهد گسترش رسانه‌های مجازی هستیم که در کنار مزیت‌های خود، آسیب‌های بزرگی را ایجاد می‌کنند. رسانه‌ها در فضای مجازی امکان انتقال پیام‌های جعلی که در بیشتر موارد همراه با شگردهای رسانه‌ای است، را به شکل بسیار گسترده‌ای ایجاد کرده است؛ به طوری که امکان تشخیص پیام درست از غلط، به ویژه برای مردم عادی، بسیار مشکل و حتی گاهی غیرممکن است. این واقعیت گاهی جامعه بزرگی را به سوی بحران و جنگ داخلی می‌کشاند. به عنوان مثال چند سال قبل تصاویری از حمله شیمیایی دولت سوریه به مناطق تحت سلطه تکفیری‌ها و کشته‌شدن تعدادی از مردم و کادر درمانی بیمارستان‌ها منتشر شد و دولت آمریکا به این بهانه قصد داشت به کشور سوریه حمله نظامی کند؛ اما پس از چندی فیلم دیگری منتشر شد که نشان می‌داد همه صحنه‌های بمباران شیمیایی ساختگی بوده و تمام کسانی که در برابر دوربین به زمین می‌افتند، طبق سناریوی نوشته شده و با هدایت کارگردان در حال بازی‌اند و پس از اتمام نقش خود، برخاسته و بدون هرگونه مشکلی به ادامه فعالیت خود می‌پردازند!<sup>۱</sup> این ویژگی رسانه‌های مدرن به خطاهای ذهنی و در نتیجه اشتباهات محاسباتی مردم منجر شده و تحلیل‌های غلط و قضاوت‌های نادرست و واکنش‌های رفتاری خطرناک و می‌دارد. چنین شیوه‌های رسانه‌ای مخربی، در شرایط بحران از جمله بلاهای طبیعی که به خودی خود، اضطراب و دلهره آور است و جامعه بیش از هر زمان دیگری به آرامش، امنیت و قضاوت صحیح نیاز دارد، حائز اهمیت مضاعف است. به همین سبب در شرایط بحران، همواره باید مرکز رسمی و واحدی کنترل و مدیریت اخبار اطمینان‌بخش را در دست داشته و از پراکندگی ذهنی و خطاهای تحلیلی مردم جلوگیری کند. در اکثر کشورهای جهان ساز و کارهایی برای انتشار اخبار درست و تفکیک آن از اخبار غلط طراحی می‌شود؛ حتی گاهی برای مقابله با انتشار اخبار غیررسمی از روش‌های نظامی و انتظامی استفاده می‌شود. این فرایند صرفاً در جهت مدیریت درست بحران و ایجاد آرامش و اطمینان در میان شهروندان صورت می‌گیرد و فارغ از اینکه در یک کشور چگونه اجرا شود، اصل آن اشکالی نداشته و تدبیر صحیحی برای مدیریت روانی جامعه است. این گونه تدبیرها با پنهان کاری و امثال آن تفاوت دارد.

ثانیاً؛ تنها مسأله‌ای که وجود دارد این است که در چنین شرایطی اطمینان به آمار و اطلاعات نهادهای رسمی چگونه امکان پذیر است؟ پاسخ این سؤال از یک جهت بستگی به میزان مشروعیت مردمی آن نظام

۱. رک: مستند دوما، دور، اما نزدیک، پخش شده از شبکه اول صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

دارد، به طوری که اگر کشوری از سطح بالای مشروعیت برخوردار باشد، طبیعتاً به همان نسبت، یک نظام مردمی تلقی خواهد شد و همین مسأله نیز اطمینان بخشی مردم به اخبار و تحلیل‌های اعلامی از سوی نهادهای رسمی را افزایش خواهد داد. در مورد کشور ما نیز باوجود بازی‌های رسانه‌ای و تلاش‌های فراوان برای القای فضای بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی توسط دشمنان، نظام اسلامی از پشتوانه مردمی خوبی برخوردار است که یکی از شواهد آن مشارکت بالا در مراسم‌های ملی است. راهکار دیگری که برای اعتبار رسانه‌های رسمی نظام وجود دارد، استناد به آمار مثبت سازمان‌های جهانی است؛ چرا که سازمان‌های جهانی، عمدتاً تحت سلطه قدرت‌های استکباری است و گزارش‌های منفی آن‌ها به علت احتمال مغرضانه بودن چندان قابل اعتماد نیست؛ اما از آنجا که در ارائه گزارش‌های مثبت و همسو با گزارش‌های نظام اسلامی، انگیزه‌ای ندارند، می‌توان به گزارش‌های آن‌ها اعتماد کرد. سازمان بهداشت جهانی با تأیید مواضع ایران در خصوص مقابله منطقی با کروناویروس، تمام صحنه‌سازی‌ها و دروغ پردازی‌های ضدانقلاب را رد کرده و بر درستی گزارش‌های ایران مهر تأیید زده است. مدیر کل سازمان بهداشت جهانی در واکنش به برخی ادعاهای مطرح‌شده در رسانه‌ها، مبنی بر پنهان‌کاری ایران در مسئله آمار قربانیان ویروس «کرونا» گفت: «ساز و کارهای مستقل این نهاد، چنین ادعایی را تأیید نمی‌کند!» به گزارش خبرگزاری فارس، «تدروس آدانوم» مدیرکل سازمان بهداشت جهانی روز دوشنبه ادعای «پنهان‌کاری» ایران در ارتباط با آمار قربانیان ویروس کرونا جدید (کووید-۱۹) را رد کرد.

۳. شبهه: انستیتو پاستور که مرکز اصلی تشخیصی بیماری کرونا است، هم اکنون در اختیار مقامات لشکری و کشوری است که پیوسته برای معاینات به آنجا مراجعه می‌کنند؛ در حالی که عموم مردم با مشکلات زیادی در این راستا مواجه‌اند!

پاسخ:

اولاً؛ این ادعا که انستیتو پاستور مرکز اصلی تشخیص بیماری کرونا در کشور و محل تردد مقامات کشوری و لشکری جهت انجام تست و معاینات است، خبری دروغ و فاقد هرگونه منطقی است؛ چرا که اساساً انستیتو پاستور محل معاینه و انجام تست نیست؛ بلکه کلیه مراحل تست و معاینه در مراکز درمانی صورت می‌گیرد و صرفاً نمونه‌های دریافت شده به این مرکز منتقل و در آنجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. حتی اگر مسئولی در معرض بیماری قرار داشته باشد، امکان معاینه و تست او در هر مکانی از جمله مراکز

درمانی سطح شهر و حتی محل کار و یا منزل نیز وجود دارد و نیازی برای مراجعه به مرکز انستیتو پاستور نیست.

ثانیا؛ این شایعه صرفا با هدف تشویش اذهان عمومی و ایجاد بدبینی نسبت به مسئولان نظام اسلامی طراحی شده و سازندگان آن نیز تصور کامل و درستی از کارکرد انستیتو پاستور ایران نداشته‌اند. مشخص است فرد یا افراد سازنده شایعه، با فعالیت‌های رسمی و کارکرد انستیتو پاستور و به ویژه پروتکل‌های مربوط به مراحل تشخیص کرونا، که در سایت آن موجود است، آشنایی نداشته و به همین دلیل تصور کرده که این مرکز، همچون سایر آزمایشگاه‌های معمولی، یک مرکز تست دارد که شهروندان به صورت حضوری به آن مراجعه کرده و نمونه‌ها آزمایشی را مستقیما به آن تحویل می‌دهند!

۴. شبهه: بیمارستان «مسیح دانشوری» همان کاخی است که مظفرالدین شاه برای عیاشی خود ساخت و رضا شاه کبیر آن را به بیمارستانی برای رفاه حال عموم مردم تبدیل کرد!

#### پاسخ:

اولا؛ به برکت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و با توجه به گسترده بودن و فراوانی مراکز درمانی تخصصی و بیمارستانی که در بازه زمانی پس از پیروزی انقلاب ایجاد گردیده، خوشبختانه این مراکز به خوبی، آمادگی و توانایی پذیرش مبتلایان به ویروس کرونا را دارند و بیمارستان «مسیح دانشوری» یکی از صدها مراکز درمانی است که در کشور پذیرای این بیماران است. این بیمارستان که در دوران پهلوی اول بنیانگذاری شده و تا به امروز مراحل تکمیل و تجهیز آن ادامه داشته است، با توجه به خیانت‌ها، غارتگری‌ها و خرابی‌هایی که رژیم پهلوی برای ملت ایران باقی گذاشت، هرگز نمی‌تواند افتخاری برای آن رژیم به شمار آید! رژیم پهلوی اگر یکی از کاخ‌های قاچار را به بیمارستانی برای مسلولان، تغییر کاربری داد، در عوض، ده‌ها کاخ در بهترین نقاط آب و هوایی کشور برای خود و وابستگانش برپا کرد. بهترین زمین‌های حاصلخیز کشور، به ویژه در شمال ایران، به تصرف خانواده پهلوی و شخص رضا شاه در آمده بود؛ به گونه‌ای که رضا شاه را بزرگ‌ترین زمین‌خوار تاریخ ایران نامیده‌اند!

ثانیا؛ بیمارستان مسیح دانشوری تنها یکی از ده‌ها بیمارستانی است که پذیرای بیماران، به ویژه بیماران کرونایی است. اکنون ده‌ها بیمارستان مجهز و تخصصی به این امر اختصاص یافته که همه در دوران

پربرکت جمهوری اسلامی ساخته شده است. برجسته ساختن موضوع بیمارستان مسیح دانشوری، با هدف دفاع ناشیانه از حکومت پهلوی و زیرسؤال بردن خدمات بی نظیر جمهوری اسلامی است. بهترین راه برای روشن شدن موضوع مقایسه آمارهای معتبر در خصوص خدمات پزشکی میان دوره پهلوی و دوران جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۲</sup>

۵. شبهه: منشأ ایجاد و گسترش ویروس کرونا در ایران از طریق طلاب چینی جامعه المصطفی قم بوده است؟

پاسخ:

اولاً؛ اساساً گمانه زنی درباره منشأ پیدایش و گسترش ویروس کرونا در کشور، با توجه به تأخیری که در شناسایی و تست افراد مبتلا به این ویروس وجود داشت، هیچ جنبه علمی نداشته و صرفاً از شایعات و حرف‌هایی بی‌اساس است. موضوعاتی مثل طلاب چینی جامعه المصطفی و دیگر موارد، بیش از هر چیز یا شایعاتی است که افراد کم اطلاع مطرح می‌کنند و یا با اغراض سیاسی و ضدانقلابی مطرح می‌شود.

ثانیاً؛ به گفته سازمان بهداشت جهانی، منشأ ورود ویروس کرونا به ایران، تاجری عربستانی است که همسر چینی داشته و پس از سفر به ووهان چین، به ایران آمده و از تهران به قم سفر کرده است.

ثالثاً؛ هرادعایی مستلزم اثبات با روش علمی است. روش علمی برای اثبات این ادعا، روش آزمایشگاهی است. یعنی آزمایشگاه‌های معتبر باید با آزمایش خون افراد، وجود یا عدم ویروس خاصی در خون فرد خاصی را اعلام کنند. این درحالی است که هیچ آزمایشگاه معتبری اعلام نکرده است که این ویروس توسط طلاب چینی جامعه المصطفی منتقل و منتشر شده است.

رابعاً؛ یکی از تکنیک‌های جنگ روانی انتشار اخبار بی‌اساسی است که با روش تکرار خبر یا اعلام از منبع نامعلوم انجام می‌گیرد. خبرهایی مثل شایعه و شبهه بالا توسط هیچ منبع معتبر و موثقی تأیید نشده است!

---

۲. وضعیت بهداشت، درمان و سلامت مردم در حکومت پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی در یک نگاه، خبرگزاری سلامت ایرانیان(سینا)، <http://sinanews.ir/detail/News/424312/2018> و نیز رک: پیشرفت‌های پزشکی پس از انقلاب، گزارش رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، خبرگزاری ایرنا، <http://www.irna.ir/fa/News/81487498>

۶. شبهه: مسأله کرونا در واقع سیاست نظام برای سرپوش نهادن بر ناکارآمدی‌ها و انحراف اذهان مردم از مشکلات اقتصادی و سیاسی است؛ امروز مردم فقط از اینکه چندروز بیشتر زنده بمانند خوشحال‌اند و از مسائل مهم‌تر غافل شده‌اند!

پاسخ:

موضوع انتشار کروناویروس و مخاطره‌آمیزبودن آن برای جان شهروندان ایرانی، حتی خود مسئولان و خانواده‌هاشان واقعیتی است که نمی‌تواند کاربرد ابزاری برای سرپوش نهادن بر ناکارآمدی بخش‌هایی از نظام داشته باشد. این ویروس مرزهای بیش از صد کشور را در نوردیده و با وجود تلاش‌هایی که برای مهار آن انجام گرفته، متأسفانه انتشار آن به طور جدی سلامت و جان شهروندان همه کشورها را به خطر انداخته است. این مسئله خاص کشور ما نیست تا بتوان به آن جنبه سیاسی داد. البته ممکن است برخی از مشکلات، کاستی‌ها و نواقصی که در امور کشور وجود دارد، در اثر برجسته‌شدن موضوع کرونا برای چندماهه نادیده یا کم اهمیت تلقی شود، اما هرگز کرونا نمی‌تواند برای همیشه سرپوشی بر مشکلات کشور قرار گیرد و از این رو هیچ سیستم عاقلی و از جمله نظام جمهوری اسلامی چنین ریسک بزرگی را مرتکب نمی‌شود. بنابراین شکی نیست که چنین شایعاتی بیشتر توسط مخالفان و دشمنان نظام برای دامن زدن به فضای بی‌اعتمادی میان مردم و نظام و در نتیجه شکست کشور در مهار این ویروس مطرح می‌شود. بی‌اعتمادی شهروندان به مسئولان نظام و همکاری نکردن در اجرای توصیه‌ها و مصوبات ستاد مقابله با کرونا، می‌تواند بحران‌های جدی و خطرناکی را ایجاد کند که اولین قربانی آن خود مردم خواهند بود!

۷. شبهه: آیا گسترش ویروس کرونا در ایران نشانه‌ای دیگر از ناکارآمدی عمومی نظام در رسیدگی و تدبیر امور کشور نیست؟!

پاسخ:

اولاً؛ جلوگیری از شیوع بیماری‌های همگیر مثل آنفولانزا و کرونا در توان هیچ کشوری نیست. چنین بیمارهایی حتی کشورهای پیشرفته و مجهزی مانند چین و آمریکا را درگیر کرده و می‌تواند مشکلات زیادی را برای آن‌ها ایجاد کند. هم‌اکنون بیش‌ترین مبتلایان به کرونا و بالاترین تلفات انسانی این ویروس به کشور چین اختصاص دارد که یکی از ابرقدرت‌های اقتصادی و علمی جهان به شمار می‌رود.



ثانیا؛ روند کند انتشار ویروس کرونا در کشور و موفقیت دولت در بسیج عمومی برای مهار گسترش آن و نیز روند رو به افزایش بهبود یافتگان، نشانه آمادگی قابل قبول نظام، خصوصاً جامعه پزشکی و بهداشتی کشور در مقابله با بحران‌های این چنینی است. این وضعیت در مقایسه با بسیاری از کشورهای غربی می‌تواند گویای کارآمدی و پیشرفت کشور در امور پزشکی و بهداشتی باشد؛ هرچند وجود برخی از کاستی‌ها و بی‌نظمی‌ها، قابل انکار نیست؛ اما با همت و همکاری ملی بسیاری از آن‌ها برطرف خواهد شد. بلاهای طبیعی و بحران‌هایی مثل شیوع بیماری‌های همگیر، عزم ملی و همکاری همه افراد ملت را طلب می‌کند و بدون اعتماد و همراهی آحاد مردم نمی‌توان بر اینگونه مسائل غلبه کرد. بنابراین شواهد و اعتراف‌های بهداشت جهانی نسبت به کارآمدی و نحوه مدیریت مقابله با کرونا در ایران، هر نوع شبهه‌ای در این خصوص را باطل می‌کند.

۸. شبهه: وعده ماسک رایگان توسط وزارت بهداشت جمهوری اسلامی یادآور وعده امام خمینی برای آب و برق رایگان است!

پاسخ:

اولاً؛ وعده توزیع رایگان ماسک از سوی مسئولان وزارت بهداشت، با توجه به امکاناتی است که هم اکنون در کشور وجود دارد و مراحل اولیه آن محقق شده و در روزهای آتی هم مراحل بعدی آن انجام خواهد شد.

ثانیا؛ آنچه در زبان عموم مردم به امام راحل (رحمة الله علیه) درباره آب و برق رایگان نسبت داده می‌شود، صحیح نیست. عبارت صحیح سخن امام که عیناً در صحیفه نور ثبت شده، حقیقت را روشن می‌کند. واقعیت این است که موضوع آب و برق مجانی ابتدا توسط دولت مهندس بازرگان مطرح شد. امام خمینی (قدس سره) در واکنش به این طرح فرمودند: «من به دولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم بضاعتی که در اثر تبعیضات خانمان برانداز رژیم شاهنشاهی دچار محرومیت شده‌اند و با برپایی حکومت اسلامی به امید خدا این محرومیت‌ها بر طرف خواهد شد،

سفارش آکید نمودم که عمل خواهد شد!»<sup>۳</sup> بنابراین چنین شبهه ای با استفاده از تحریف سخن امام و با هدف اعتبارزدایی از وعده های مسئولان کشور برای ایجاد بدبینی و بی اعتمادی طراحی شده است.

۹. شبهه: اگر به جای این همه امامزاده در ایران بیمارستان ساخته بودند، الان مشکل کمبود تخت

بیمارستان نداشتیم!

پاسخ:

اولاً؛ یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی خودکفایی در زمینه ظرفیت های پزشکی، اعم از نیروی انسانی و ساختارهای فنی و علمی است. در دوران پیش از انقلاب، به علت کمبودهای فراوانی که در این زمینه وجود داشت، شاهد حضور هزاران پزشک خارجی از کشورهای شبه قاره هند بودیم، که هم از لحاظ علمی در سطح پایینی بودند و هم به علت مشکلات زبانی، این امر باعث بروز مشکلاتی می شد و گاهی جان شهروندان را به خطر می انداخت. افزایش بیش از ۱۰۰ برابری سرمایه گذاری در بخش بهداشت در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد تا به رشد ۴۰۰ درصدی شاخص های بهداشتی و درمانی برسیم و به همین سبب، شاخص "امید به زندگی" در جامعه ایرانی در مقایسه با قبل از انقلاب از ۵۰ سال به ۷۵ سال رسید!

ثانیاً؛ آمارهای معتبر نشان می دهد که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۷ دانشکده پزشکی در دانشگاه ها ایجاد شده بود؛ اما در حال حاضر حدود ۴۰ دانشگاه علوم پزشکی در سراسر کشور به فعالیت مشغول اند. ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی از حدود ۶۰۰ نفر در سال، قبل از پیروزی انقلاب، به حدود ۶ هزار نفر در سال افزایش یافت. در سال ۵۷ تعداد کل پزشکان دارای کارت نظام پزشکی، حدود ۱۷ هزار نفر بود، در حالی که طی سال های پس از پیروزی انقلاب حدود ۱۴۰ هزار پزشک در دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور تربیت شده اند و همین مسأله جمهوری اسلامی ایران را به خودکفایی در زمینه شمار پزشکان نزدیک کرده است.

ثالثاً؛ از لحاظ کیفی نیز وضعیت پزشکی و درمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار پیشرفت داشته است؛ به گونه ای که امروزه کشور ما به یکی از قطب های درمان بیماران صعب العلاج در خاورمیانه و جهان

۳. صحیفه نور، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۳۵۷، سخنرانی امام خمینی در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۵۷.

تبدیل شده است؛ در اوایل انقلاب بسیاری از عمل‌های جراحی تخصصی در خارج از کشور انجام می‌شد، اما اکنون به برکت نظام جمهوری اسلامی و همت متخصصان داخلی، تمام اقدامات تخصصی و فوق تخصصی به جز چند مورد نادر که در زمینه بیماری‌های ژنتیکی است، در داخل کشور و توسط پزشکان ایرانی انجام می‌شود.

**رابعاً؛** در تولید دارو به چنان درجه‌ای از پیشرفت رسیده‌ایم که داروهای برخی بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج، مثل انواع سرطان‌ها در درون کشور تولید می‌شود. در درمان ناباروری به یکی از قطب‌های درمانی جهان تبدیل شده‌ایم. در پیوند اعضا و بحث توریسم پزشکی و سایر بخش‌های مرتبط با بهداشت، درمان و سلامت، کشور ما جزء کشورهای سرآمد در جهان قرار گرفته است؛ در حالی که تا پیش پیروزی انقلاب اسلامی به صورت مطلق به بیگانگان وابسته بودیم!<sup>۴</sup>

**خامساً؛** مراقد و حرم‌های شریف امامزادگان در کشور ما یکی از ظرفیت‌های معنوی و فرهنگی است و کارویژه‌های خاص خود را دارد. امام زادگان نمادهای معنویت، دینداری، پاکی، شرافت، شجاعت و شهادت در کشور ما هستند. بسیاری از مردم ما فضای معنوی حرم‌ها و مراقد این بندگان پاک الهی را محل آرامش و امید و انگیزه‌های مثبت برای خود می‌دانند. اگر معتقدیم که به حکم عقل، «پیشگیری بهتر از درمان» است، مراقد و حرم‌ها، خود از فرصت‌های این پیشگیری هستند و بدیهی است فضاهایی که به پیشگیری از مشکلات روحی و جسمی کمک می‌کند، اگر مهم‌تر از بیمارستان نباشد، آثار مثبتش کم‌تر از بیمارستان نیست.

**سادساً؛** هر نهادی در جامعه جایگاه و کارویژه خود را دارد. همانگونه که نمی‌توان نانوایی را مهم و فروشگاه پخش مواد پروتئینی را غیرمهم دانست، یا دانشگاه را مهم و کارخانه را غیرمهم معرفی کرد و هر کدام بخشی از نیاز جامعه را تأمین می‌کند، نمی‌توان گفت بیمارستان مهم است، اما مساجد و حرم‌های امام زادگان غیرضروری است. این یک مغالطه غیرعلمی و برای هرعقلی بطلانش واضح است. انسان‌ها

---

۴. وضعیت بهداشت، درمان و سلامت مردم در حکومت پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی در یک نگاه، خبرگزاری سلامت ایرانیان(سینا)، <http://sinanews.ir/detail/News/424312/2018> و نیز رک: پیشرفت‌های پزشکی پس از انقلاب، گزارش رئیس دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، خبرگزاری ایرنا، <http://www.irna.ir/fa/News/81487498>

هم به بیمارستان برای درمان دردهای جسمی خود نیازمندند و هم به جاهایی که روحيات آنان را ارتقا بخشيده و احساس معنا و اميد در زندگي شان را افزايش دهد!

۱۰. شبهه: روحانيون و مذهبي ها همواره ادعا مي کردند که علت مشکلات، بلاها و بيماري ها، گناهان مردم است؛ اما در بحران کرونا هم خودشان شديداً به توصيه هاي پزشکي عمل مي کنند و هم مردم را به رعايت توصيه هاي پزشکي تشويق مي کنند و حرف هاي پيشين خود را فراموش کرده اند!

### پاسخ:

اولاً؛ اين شبهه يکي از مصاديق شبهه تعارض علم و دين است. تعارض علم و دين يک از انگاره هاي فلسفي و فرهنگي دنياي غرب است که بر جهان اسلام قابل انطباق نيست. مباني و آموزه هاي دين اسلام هرگونه تعارض مستمر و واقعي ميان علم و دين را نفی مي کند. از نگاه اسلام دين و علم مکمل يکديگر و هرکدام به بخشي از واقعيت هستي نظر دارند. هيچکدام از معارف و آموزه هاي دين، علم صحيح را نفی نمي کند و علم تجربی صحيح و اطمینان بخش نیز هيچکدام از معارف و آموزه هاي معتبر دين را نفی نخواهد کرد.

ثانياً؛ جهاني که در آن زندگي مي کنيم بر پايه نظام علّيت بنا شده است. در اين جهان هرپديده اي داراي علت هاي مادي و معنوي است. بيماري و سلامت انسان ها نيز علل و زمينه هاي مادي و معنوي خود را دارد. به حکم عقل، دين و تجربه، رعايت مسائل بهداشتي و ايجاد زمينه هاي سلامت، موجب بالا رفتن احتمال سلامتي و کاهش بيماري ها و عدم رعايت اين امور موجب افزايش بيماري و فزوني احتمال اختلال در سلامت فردي و عمومي است. دانش پزشکي از دانش هاي ريشه دار و کهن بشري است که بر اساس تجربه و تحقيقات دامنه دار بشر درباره علل، عوامل و نشانگان و راه هاي درمان بيماري ها و نيز کيفيت نگهداشت و بالابردن بهداشت جسمي، پديده آمده و اکنون دوران بالندگي خود را طی مي کند. دين اسلام نه تنها به دانش پزشکي و تغذيه بي اعتنا نبوده بلکه خود در بالندگي آن نقش مهمي داشته است. در قرون نخستين اسلام بسياري از پزشکان پرآوازه، خود از عالمان و فقيهان ديني بوده اند. با اين وجود آيا مي توان ادعا کرد که همه بيماري ها، نشانگان تشخيصي و راه ها و داروهاي درمانی آن توسط دانش پزشکي کشف و معرفي شده است؟ آيا مي توان ادعا کرد که علت همه بيماري هاي جسمي تنها و تنها ويروس ها و باکترهاي مضر است و امور معنوي و روحي در بيماري و سلامت جسم نقشي ندارد؟ يقيناً هيچ کس نمي تواند چنين ادعايي بکند

و اساساً چنین ادعایی از نظر عقل و علم مردود است! بنابر این علت یا علل مشکلات جسمی همچنان که می‌تواند مادی باشد، ممکن است معنوی بوده و به سبب رفتارهای غیراخلاقی و غیرشرعی انسان‌ها باشد. علل معنوی، علل بعید پدیده‌ها است و علل مادی، علل قریب آن. علل بعید همواره از طریق تأثیر بر علل قریب، عمل کرده و حوادثی را ایجاد می‌کند. توجه به علل قریب یک حادثه و غافل‌شدن از علل بعید، موجب ماندگاری مشکلات است. بنابر این توصیه عالمان دین به رعایت امور بهداشتی، علاوه بر اینکه توصیه خود دین است، به خاطر جامع‌نگری نسبت به حوادث جهان است.

**ثانیا؛** زمینه‌ها و علل بیماری و سلامت جسمی و روحی، در زمینه‌ها و علل مادی، محدود نیست و مسائل اخلاقی و معنوی هم در این خصوص علیت دارد؛ هرچند ممکن است تأثیر علل معنوی در سلامت و بیماری جسمی، با وساطت همان علل مادی صورت پذیرد؛ اما اینکه علل مادی در همه موارد، تأثیر قطعی و خودبنیادی در بیماری و سلامت جسمی داشته باشد، سخن کامل و درستی نیست. ادیان الهی به ما آموخته است که مهربانی، بخشندگی، خوش اخلاقی، خیرخواهی، پاک‌دستی، پاکدامنی و دیگر فضائل اخلاقی و مهم‌تر از همه ارتباط معنوی و عمیق با جان جهان و مبدأ و منتهای عالم وجود، یعنی خداوند مهربان، علت نخستین همه خیرها و سودمندی‌ها است؛ همچنانکه نامهربانی، بخل، حسد، مردم‌آزادی، دروغ، تباه کردن حقوق انسان‌ها، بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و حدود الهی و ارتکاب گناهان ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها و مشکلات بشر است. پیامبران و امامان (علیهم السلام) هرگز علت‌های مادی را نفی نکرده‌اند؛ بلکه چشم انسان را از محدود ماندن در اسباب مادی به افقی فراخ‌تر و عمیق‌تر در عالم هستی باز کرده‌اند. از این رو هم‌پای توجه به علت‌های مادی می‌بایست به علت‌های معنوی نیز توجه شود و برای پیشگیری از مشکلات، حل نابسامانی‌ها و بالابردن کیفیت زندگی، لازم و ضروری که هم از علت‌های مادی و هم علت‌های معنوی غافل‌نمانیم.

**ثالثاً؛** امروزه علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در کنار عقل و دین، بر اهمیت اخلاق و معنویت و نقش آن در بهزیستی انسانی در ابعاد گوناگون زندگی تأکید می‌رود. حتی جامعه‌شناسان ملحدی مانند مارکس و بر هم دین و معنویت را موجب انسجام و یکپارچگی جامعه و در نتیجه عامل بسیاری از خیرها و سودمندی‌های عمومی می‌دانند. دین و معنویت موجب معنی‌یافتن و هدفمندی زندگی و ایجاد امید در دل‌های انسان‌ها شده و انسان‌ها را از احساس تنهایی و وحشت می‌رهاند؛ هرچند این آثار بخشی از آثار غیرمادی دین و معنویت است و تبیین آثار تکوینی و حقیقی آن در گستره وجود انسان تنها در اختیار

پیامبران الهی است. تحقیقات پزشکی و روان‌شناسی تجربی بر این امر تأکید دارند که نظام سلامت جسمی، بسیار بیش از آنچه انسان‌ها تصور می‌کنند به سلامت فکر، احساس و فرایندهای روان‌شناختی افراد بستگی دارد. آنچنان که بیماری فکر و عاطفه می‌تواند جسم انسان را تضعیف و آماده گرفتارشدن به انواع بیماری‌های دشوار و کشنده کند. امروزه بسیاری از بیماری‌ها را بیمارهای روان‌تنی می‌نامند؛ زیرا اعتقاد بر این است که در دوران مدرن به واسطه پیچیدگی و دشواری زندگی، دسترسی انسان‌ها به خواسته‌ها و اهداف فردی با سختی زیادی همراه است و این امر تنیدگی و فشار زیادی را بر روان انسان‌ها تحمیل می‌کند؛ استرس مهم‌ترین عامل بیماری در جهان امروز است. دین و معنویت و اخلاق با ارائه سبک زندگی مبتنی بر اهداف متعالی، ارزش‌های اصیل و دست‌یافتنی، معنابخشی، امیدآفرینی و پیشگیری از بسیاری از رفتارهای مخرب و آسیب‌زا به سلامت جسمی و روانی بشر خدمتی بی‌بدیل ارائه می‌کند. دین و معنویت، یاری‌گر و کامل‌کننده دانش پزشکی در شناخت، پیشگیری و درمان بیماری‌ها و بالابردن کیفیت سلامت جامع‌نگر انسانی است و هرگز در قامت رقیب و مخالف با دانش‌های ریشه‌دار انسانی ظاهر نشده است. دین اصیل و حقیقی با عقل و دانش صحیح در تضاد نیست؛ بلکه مکمل و مؤید آن است. بنابر این توصیه به رعایت مسائل بهداشتی و پزشکی اساساً هیچ منافاتی با رعایت مسائل معنوی، توبه و توسل ندارد و این هر دو در کنار هم می‌تواند مشکلات را حل کند. همان دینی که گناهان را علت برخی از بیماری‌ها و مشکلات انسان‌ها معرفی می‌کند، بی‌توجهی به بهداشت و مسائل پزشکی را هم نامطلوب و حتی حرام دانسته و بر نقش آن در بروز بیماری و فقر تأکید می‌کند.

۱۱. شبهه: تا پیش از این ادعا می‌شد که دین و مناسک دینی تنها راه رفع مشکلات و پیشگیری از نابسامانی‌ها است. مذهبی‌ها همواره به دانش و فن‌آوری انسانی بی‌اعتنا بوده‌اند؛ اما اکنون روشن شد که تنها علم می‌تواند به بشر کمک کند تا بر مشکلاتی نظیر بیماری‌ها غلبه کند!

پاسخ:

اولاً؛ این شبهه بر مبنای علم‌پرستی و تقلیل همه پدیده‌ها و فرایندهای هستی به امور محسوس و قابل تجربه حسی بنا شده است. علم تجربی با وجود خدمات بزرگی که از ابتدای خلقت انسان تاکنون به بشریت نموده و گره‌های فراوانی که از مجهولات و مشکلات انسان‌ها گشوده، تنها به جهان محسوس و ملموس اختصاص دارد و توانایی رازگشایی از همه لایه‌ها و مراتب هستی و انسان را ندارد؛ علم تجربی

تنها می تواند بخشی از پدیده‌های محسوس را بررسی و از ماهیت مادی و روابط میان پدیده‌ها شناخت حاصل کند. این انتظار که علم همه مجهولات بشر را معلوم کرده و همه مشکلات بشر را برطرف کند، انتظاری است که با واقعیت علم سازگار نیست و هیچ عالم و فیلسوف علمی هم آن را ادعا نکرده و تاکنون هم تحقق نیافته است. دین در کنار علم و مکمل آن بوده و در صدد تکمیل کاستی‌های ذاتی آن است. این دو هدیه الهی در کنار هم می‌توانند زندگی بشر را سعادت‌مندانه‌تر کنند.

ثانیا؛ عقل، تجربه و دین<sup>۵</sup> هر سه بر این مسأله تأکید دارند که انسان‌ها در اموری که به آن دانا نیستند و دانایی در آن نیازمند تخصص و دانش منظم و عمیق است، می‌بایست به متخصصان و عالمان شناخته شده و امین رجوع کنند. این حکم عقلانی و دینی، مطلق است و همه امور دنیایی و معنوی انسان را در همه شاخه‌ها و ابعاد شامل می‌شود؛ عقل سلیم و ذوق عقلانی بشر چنان با این مسأله آشنا است که هرکس بدون مشورت با افراد دارای صلاحیت، به کاری که در آن تخصص و دانش کافی ندارد، دست زده و گرفتار آسیب گردد، بی‌درنگ از سوی عاقلان سرزنش می‌شود. بر این اساس همچنانکه همه مردم و از جمله پزشکان باید در مسائل مربوط به معنویت و دین به عالمان و متخصصان دین‌شناس و معنویت‌شناس مراجعه کنند و از تخصص آنان در امور دینی و معنوی بهره گیرند، عالمان و متخصصان دینی هم موظف‌اند در امور تخصصی پزشکی به پزشکان کارآموزده و امین مراجعه کنند. بی‌اعتنایی به نظر پزشکان باتجربه و مورد اعتماد، از نظر دین و عقل محکوم است؛ همچنانکه بی‌اعتنایی به امور معنوی و نظر متخصصان دینی از سوی دیگران، مردود و غیرمنطقی است.

ثالثا؛ همان دینی که انسان‌ها را به دعا، توبه، توسل به ارواح پاک و متعالی اولیای الهی، اخلاق حسنه و پرهیز از بد اخلاقی‌ها و ارتکاب محارم الهی تشویق و توصیه می‌کند و گناه و بد اخلاقی را عامل بسیاری از مشکلات و بیماری‌ها می‌داند، رجوع به متخصصان در امور مهم را هم واجب دانسته و بی‌اعتنایی به آن را گناه و موجب عقوبت می‌شمارد. در این راستا سخنان بسیاری از معصومان (علیهم السلام) صادر شده که اهمیت مسأله از نگاه دین را آشکار می‌کند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که (مشورت را وانهد) (و) به رأی خود استبداد ورزد، هلاک می‌شود».<sup>۶</sup>

۵. «... فاستلوا اهل الذکر ان کتم لاتعلمون»: اگر چیزی را نمی‌دانید از دانیان به آن بپرسید!» (نحل: ۴۳)

۶. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱.

رابعا؛ لزوم رجوع به متخصصان در امور دین و دنیا از احکام خود دین است و کسی که به آن بی‌اعتنایی کند، به امر دین بی‌اعتنایی کرده است. بنابر این اگر پزشکان امین و کارآزموده تشخیص دهند که برخی از مراسم‌های جمعی اعم از مذهبی و غیرمذهبی باید موقتا تعطیل شود تا از شیوع ویروس و بیماری کاسته شود، عمل به توصیه این متخصصان از سوی خود دین و پیشوایان دین واجب شمرده شده است.

خامسا؛ این سخن که روحانیان و افراد مذهبی با علم و دانش انسانی مخالف‌اند، اتهامی بسیار زشت و دور از واقعیت است. نه تنها در هیچ آیه و روایت معتبری، دانش‌های انسانی کم اهمیت تلقی نشده، بلکه آیات و روایات فراوانی بر اهمیت و لزوم یادگیری دانش‌های مورد نیاز انسان‌ها، حتی با دانش‌آموختن از کافران و مشرکان، تأکید شده است. در طول تاریخ پس از اسلام بسیاری از عالمان به نام علوم طبیعی خودشان از عالمان دین بوده‌اند. امروزه هم بسیاری از دانشمندان و صاحب نظران در علوم انسانی و طبیعی در همه جای دنیا از مؤمنان و معتقدان به ارزش‌های دینی و اسلامی هستند. آیا پزشکانی که در کشور ما هم اکنون با اقتدار و تعهد مثال‌زدنی، مشغول کمک به بیماران هستند، مسلمان و مؤمن نیستند؟!

سادسا؛ این ادعا که تنها علم تجربی می‌تواند مشکلات بشر را برطرف کند، ادعایی بی‌دلیل و دقیقا مخالف با واقعیت زندگی است. نه عالمان علوم تجربی چنین ادعایی دارند و نه علم بشر در عمل توانسته است همه مشکلات بشر را برطرف کند. علم تجربی هرچند خدمات زیادی به انسان‌ها کرده و در مجموع زندگی را قدری آسان‌تر نموده است؛ اما نه تنها همه مشکلات را برطرف نکرده، بلکه مشکلات دیگری برای بشر ایجاد کرده است. بسیاری از بیمارهای صعب‌العلاج و لاعلاج مثل برخی از سرطان‌ها هنوز برای علم پزشکی ناشناخته مانده و درمان پزشکی ندارد. برخی از روش‌های درمانی و داروهایی که بشر بواسطه علم تجربی ساخته دارای عوارض جانبی است و اگرچه عوارض بیماری خاصی را برطرف می‌کند ولی چه‌بسا مشکلات و ناراحتی‌های دیگری برای مصرف‌کننده ایجاد کند. در همین موضوع کروناویروس، دانشمندان زیست‌شناس و پزشکان با صراحت اعتراف می‌کنند که ماهیت این ویروس ناشناخته است و در حال حاضر هیچ دارویی برای آن وجود ندارد. پزشکان تصریح می‌کنند که بهترین درمان این بیماری، پیشگیری از ابتلای به آن است! بنابر این دست کم در حال حاضر علم پزشکی و ویروس‌شناسی نتوانسته است این مشکل را برطرف کند.



۱۲. شبهه: کرونا ویروس و هر عامل بیماری‌زای دیگر، عواملی مادی هستند که تنها به سبب آلودگی محیطی و بیماری‌های زمینه‌ای اثر گذاشته و تنها راه مبارزه با آن رعایت اصول بهداشتی و کنترل‌های پزشکی است و دعا و توسل اموری خرافی است که موجب بی‌اعتنایی به روش‌های علمی و معتبر و به تعویق افتادن درمان می‌شود!

پاسخ

اولاً؛ یکی از آفت‌های بزرگ در فرایند شناخت و مبارزه با مشکلات مادی و روانی بشر، تک‌سونگری و تقلیل‌گرایی است که از نظر عقل و علم مردود است. تقلیل علل پدیدآمدن و شیوع بیماری‌ها به مسائل بهداشت محیطی و جسمی، نوعی تقلیل‌گرایی، یعنی فروکاهش علل یک پدیده به علل مادی و محسوس است! عقل و علم بشر محدود است و با وجود پیشرفت‌های زیادی که در علوم طبیعی و انسانی صورت گرفته، بشر هرگز نمی‌تواند به صورت یقینی ادعا کند که می‌تواند به همه پدیده‌ها از همه ابعاد، سطوح و زوایا آگاه شده و آن‌ها را در کنترل خود در آورد. زندگی انسان‌ها بسیار پیچیده‌تر از آن است که عقل و علم به همه ابعاد آن آگاه شود. به همین سبب تقلیل علت یک بیماری یا شیوع آن در امور مادی، خطای علمی و عقلی بزرگی است. در آیات قرآن کریم و روایات معتبری که از پیشوایان دینی به ما رسیده، علل ایجاد و شیوع برخی از بیماری‌ها، به خصوص بیماری‌های بنیان‌کن، فراگیری برخی از گناهان عنوان شده است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «هرگاه انسان‌ها گناهان جدیدی ابداع کنند، خداوند بلای جدیدی را بر آنان مسلط می‌کند!»<sup>۷</sup> بنابراین همچنانکه می‌بایست به نظر پزشکان در رعایت امور بهداشتی جسمی و محیط زیست توجه کرد، باید به نظر متخصصان دینی و وجدان اخلاقی در اینکه شیوع گناهان و رفتارهای غیراخلاقی هم در این امر عاملیت دارد، اعتنا کنیم.

ثانیاً؛ مشکلات مادی و بیماری‌های جسمی زنجیره‌ای علل و عواملی دارند که برخی مادی و برخی ممکن است روحی - معنوی باشد. اگر چه علل و عوامل روحی و معنوی هم با وساطت علل مادی در جسم انسان اثر می‌گذارد، ولی از لحاظ عقلی و علمی نمی‌توان ادعا کرد که مشکلات و بیماری‌های جسمی فقط علل و عوامل جسمی دارد و به همین دلیل نمی‌توان پناه بردن به خداوند، دعا و توسل برای دفع و رفع بیماری را مورد توجه قرار نداد.

---

۷. وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۲۴۰.

ثالثاً؛ امروزه در روان‌پزشکی، پزشکی و روان‌شناسی مدرن اثبات شده که منشأ بسیاری از بیماری‌های جسمی و از جمله بیماری‌های صعب‌العلاج، نابسامانی‌های روانی مثل استرس، اضطراب و افسردگی است. بیماری‌های روان‌تنی، بیماری‌هایی جسمی با منشأ روانی است. از این رو اگرچه رعایت اصول و مسائل بهداشتی اهمیت دارد، اما به تنهایی نمی‌تواند بیماری‌ها را از بین ببرد. مشکلات روان‌شناختی موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن شده و بدن را در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. اعتقادات دینی، دعا، مناجات با خدا و توسل به ارواح پاکان علاوه بر آثار معنوی و تکوینی، عامل مهمی در آرامش، امید و احساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک فراوان می‌کند. افراد بی‌دین و لامذهب، به سبب اینکه در بحران‌ها ممکن است خود را ببازند و احساس استرس و ناامیدی کنند، نسبت به مؤمنان در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

با توجه به نکات یاد شده خرافی دانستن دعا و توسل و واسطه قراردادن معصومان (علیهم‌السلام) برای رفع حاجات از جمله بیماری‌ها، خلاف عقل و منطق است. فکر و رفتار خرافی، آن است که از سوی عقل یا علم یا دین الهی تأیید نشود و اندیشه یا رفتاری که از سوی دین تأیید شود، حتی اگر عقل و علم بشر به درستی و سودمندی آن آگاه نشود، خرافی نخواهد بود.

۱۳. حرم‌هایی که روزی دارالشفای بیماران و پناهگاه حاجتمندان معرفی می‌شد، امروزه باید توسط مواد ضد عفونی، ویروس‌زدایی شود و مردم در آن تجمع نکنند تا مبادا به بیماری مبتلا شوند! پس اعتقاد به دارالشفا بودن حرم‌ها و مکان‌های این گونه‌ای، صحیح نیست.

پاسخ:

اولاً؛ از نظر مبانی محکم و متقن دینی و انبوه تجارب شخصی مؤمنان، جای تردید نیست که ارواح پاک صالحان و اولیای الهی (علیهم‌السلام) واسطه بسیاری فیض‌ها و خیرهای مادی و معنوی از جانب خداوند متعال است. دعای این انسان‌های وارسته به اجابت نزدیک‌تر و شرافت و نیرومندی روحی آنان در دستگیری از نیازمندان و توسل جویان، بسی بلندتر است. این آثار معنوی به خواست خداوند و به واسطه قدرتی است که او به آنان در اثر بندگی عطا کرده است. شرف بندگی و صداقت آنان، چنان به خداوند نزدیک‌شان کرده که موهبت واسطه‌گری در فیض الهی به آنان عطا شده است. حرم‌ها، مراقد و مقاماتی که به نام آنان برپا گشته از آن جهت که به آن خوبان منتسب است، محترم و شریف است؛ اما یقیناً اگر اثری در

توسل به آنان وجود دارد، به آن مکان‌ها منتسب و مستند نیست؛ بلکه به ارواح پاک آن‌ها مستند است. شرط توسل به ارواح اولیا، حضور در حرم یا مقبره خاصی نیست و در هر زمان و هر کجا می‌توان به ارواح پاک آنان توسل جست. از این رو برای زیارت و توسل ارواح پاک اولیای الهی زمان و مکان شرط نیست و محدودیت‌های بهداشتی برای حضور در حرم‌ها هیچگونه مانعیتی در زیارت و توسل ایجاد نمی‌کند. دارالشفا بودن حرم، به وجود صاحب حرم است، نه سنگ و آجر حرم! هر چند سنگ و آجر حرم‌ها هم به سبب انتساب آن به صاحب حرم، محترم است؛ اما هرگز برای سنگ‌ها و چوب‌ها به خودی خود اثری نیست!

ثانیا؛ شرافت معنوی اولیا و احترام آن پاکان اقتضا می‌کند که همانگونه که در زمان حیات خود انسان‌هایی پاکیزه از نظر ظاهر و باطن بوده‌اند، حرم‌ها و مراقد ایشان نیز همواره پاکیزه و پیراسته از پلیدی‌های ظاهری و باطنی باشد. رعایت اصول بهداشتی در همه جا نیکو و لازم، و در هنگام حضور در مسجد یا حرم‌های اولیای الهی نیکوتر و واجب‌تر است. زیرا بی‌اعتنایی به بهداشت و آراستگی نه تنها آن محیط را برای دیگر افراد آلود می‌کند، بلکه نوعی بی‌احترامی و قدرناشناسی به صاحب حرم نیز محسوب می‌شود. با مراجعه مختصر به کتاب‌هایی مثل مفاتیح الجنان و کامل الزیارات و دیگر کتاب‌هایی که در آداب زیارت نگاشته شده، به وضوح مشاهده می‌شود که برای حضور در حرم‌های ائمه و دیگر اولیای الهی، آداب خاصی ذکر شده است. مهم‌ترین آداب زیارت حرم‌ها، غسل، وضو، پوشیدن لباس تمیز و پاکیزه، عطرزدن و آراستگی است. آلوده ساختن مساجد و حرم‌های اولیای الهی به هر شکل ممکن، گناه کبیره شمرده شده و بر افرادی که از آلودگی اطلاع دارند، واجب است فوراً آن را برطرف سازند. بنابر این دارالشفا بودن مراقد و حرم‌های اولیای الهی به معنای این نیست که هر فرد آلوده‌ای می‌تواند در آن وارد شده آن مکان‌ها را آلوده سازد و یا دارالشفا بودن با رعایت امور بهداشتی منافات داشته باشد.

ثالثا؛ زیارت مراقد و حرم‌های اولیای الهی بیش آنکه برای رفع مشکلات مادی و برآورده شدن نیازهای دنیایی باشد، برای تقویت انگیزه‌های معنوی و تازه‌کردن ایمان و دینداری است. اساساً کارویژه اولیای الهی در زمان حیات‌شان راهبری و دستگیری طالبان حقیقت و وصال معبود محبوب است؛ نه رفع نیازهای مادی یا شفادادن بیماران! این نگرش که همه دردهای مادی و نیازهای دنیایی صرفاً با دعا و توسل به اولیای الهی برطرف می‌شود، نگرشی است که توسط خود دین، مردود شمرده شده است. بنابر این اگر چه دین خصوصاً دین اسلام به لحاظ جامعیت و کمال، ناظر بر تمامی شؤونات فردی و اجتماعی بشر است یعنی راه‌های

دست یابی به شئون فردی و اجتماعی را ارایه داده است بدین معنا که اگر انسان بر اساس آنها عمل کند به سعادت دنیا و آخرت می رسد اما اگر کسانی ادعا کنند که دین و معنویت باید همه مشکلات مادی و معنوی را حل کند، ادعایی باطل است زیرا عمل بر اساس آموزه های دینی، اختیاری انسان است و پیامد عمل نکردن به راهکارهای دینی، متوجه خود انسان است و ارتباطی به دین ندارد. مرور اجمالی آیات قرآن و روایات وارد شده از پیشوایان دین در موضوعات مختلف نشان می دهد که دین به صورت اساسی به علل مادی حوادث توجه داشته و برای دفع و رفع علل مادی حوادث توصیه های زیادی مطرح کرده اند. یک مراجعه مختصر به کتاب «میزان الحکمه»<sup>۸</sup> و مرور روایات آن در بابها و موضوعات مختلف و فراوان این ادعا را اثبات می کند که دین نگاه جامعی به امور زندگی انسان دارد و در کنار توجه و اعتنا به علل معنوی به علل مادی هم اهمیت داده است. منتهی چنان که بیان شد مهم، توجه به آموزه های دینی و عمل به آنهاست.

رابعاً؛ قرآن کریم و پیشوایان دین خود از پیشگامان توجه به بهداشت و آراستگی بوده اند. آیات و روایات فراوان و گزارش های بسیار زیادی در لزوم رعایت بهداشت و نیز اهمیت عملی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) درباره بهداشت در کتاب های روایی ما موجود است. کتاب «دانشنامه احادیث پزشکی» از آقای محمدی ری شهری حاوی بسیاری از این روایات است. «رساله ذهبیه» امام رضا (علیه السلام)، مجموعه بیانات ارزشمند علمی و پزشکی امام است که در آن با شرح خواص غذاها و نوشیدنی ها، راهکارهای بهزیستی، بهداشت و سلامت را به انسان می آموزد و ضمن توجه به تکنیک های مقابله با بیماری ها و آسیب های روحی و روانی، این مسائل را نیز نقد و بررسی می کنند. برای نمونه به برخی از احادیث اشاره می کنیم:

- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيهِ السَّلَامُ): «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثَرَ خَيْرٌ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، يَعْنِي غَسَلَ يَدَيْهِ»: کسی که دوست دارد، خیر و برکت خانه اش زیاد شود، هنگام غذا دست های خود را بشوید.<sup>۹</sup>

- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلِيهِ السَّلَامُ): «اغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الْعُمْرِ»: دست های خود را قبل از غذا و بعد از آن بشوید؛ زیرا این کار فقر را از بین می برد و عمر انسان را زیاد می کند.<sup>۱۰</sup>

۸. رک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث قم.

۹. محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۴، ص: ۳۳۷.

- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (عليه السلام) قَالَ: «مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَامِ حَرْفَةً فَحَكَ بِهَا جَسَدَهُ فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ، وَ مَنْ إغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ أُغْتَسِلَ فِيهِ، فَأَصَابَهُ الْجُذَامُ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»: کسی که تکه سفالی را از حمام بردارد و با آن بدنش را خارش دهد و دچار بیماری پیسی شود، نباید جز خودش را سرزنش کند و هرکس از آبی که دیگران در آن شستشو کرده‌اند (مثل آب خزینه‌ها در قدیم و استخرها در حال حاضر)، شستشو کند و دچار مرض جذام شود، جز خودش را سرزنش نکند.<sup>۱۱</sup>

۱۴. شبهه: مگر روحانیان ادعا نمی‌کنند که ائمه قدرت بیکران دارند و می‌توانند در همه عالم تصرف کنند! پس چرا الان در برابر ویروس کرونا توان مقابله ندارند و متولیان باید حرم‌ها را نیمه تعطیل و ضد عفونی کنند؟!  
پاسخ:

اولاً؛ شغایافتن بیماران در حرم‌ها و مراقد مطهر معصومان و اولیای الهی، هرچند اموری یقینی است و بارها اتفاق افتاده و مدارک معتبر آن وجود دارد، اما این اتفاقات استثنایی و مشروط به شرایط خاصی است که همه ابعاد آن برای ما روشن نیست و هرگز رویه نبوده است؛ هیچ آیه‌ای از قرآن کریم و روایت معتبری وجود ندارد که در آن ادعا شده باشد، اولیای الهی می‌توانند نظام عالم را یکسره برهم زنند و امور عادی و طبیعی را به صورت کامل تغییر دهند. برخلاف این، در روایات متعددی تصریح شده که خداوند امتناع می‌کند از اینکه امور عالم، جز از طریق اسباب عادی انجام گیرد. در این مکان‌های مقدس هم همه امور طبق مشیت الهی و نظام اسباب و مسببات صورت می‌پذیرد. هرچند ممکن است برخی از امور خارق عادت و استثنایی از سوی اولیای الهی هم روی دهد که البته آنها هم بر اساس نظام اسباب و مسببات اند. بنابر این رعایت امور بهداشتی، پاکیزگی و آراستگی در مکان‌های مقدس نه تنها لازم است، بلکه در این مکان‌های شریف، از دیگر مکان‌ها اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا هم محل رفت و آمد و تجمع انسان‌ها است و بی‌توجهی به بهداشت، نوعی مردم‌آزادی و تزییع حقوق دیگران است و هم بی‌احترامی به آن مکان محترم و صاحب قبر شریف محسوب می‌شود.

<sup>۱۰</sup> همان

<sup>۱۱</sup> محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص: ۵۰۳

ثانیا؛ آنچه بر اساس مبانی دینی می‌توان معتقد شد، این است که اولیای الهی به اذن خداوند به برخی از امور غیبی آگاه اند و می‌توانند در امور عالم تصرفات جزئی کنند. اما اینکه اجازه داشته باشند در همه امور جهان به دلخواه خود رفتار کنند، امر محالی است و در هیچ گزاره دینی چنین ادعایی مطرح نشده است. اولیای الهی نیز در امور عادی زندگی مانند دیگر انسان‌ها زندگی کرده‌اند. بیماری، گرسنگی، درد، فقر، شکنجه و قتل دیده‌اند و برای حفاظت از خود از دارو، رعایت بهداشت و ابزارهای لازم و عقلایی سود جسته‌اند. تفاوت آنان با دیگران در مرتبه ایمان، تقوا، شکر و رضا است. اگر بنا بود اولیای الهی در همه امور عالم دخالت کنند، طبیعتاً می‌بایست همه بلاها و شرور را از خود دور سازند، در حالی که اگر نگوییم بلاها و مصائب آنان از دیگر انسان‌ها بیش‌تر بوده، قطعاً کم‌تر نبوده است. آری! دعای آنان به اجابت نزدیک‌تر و مقام آنان در نزد خدا بلندمرتبه‌تر از دیگر بندگان است و همین شرافت موجب می‌شود که در برخی از امور دنیایی، واسطه فیض الهی قرار گرفته و حوائجی به دست آنان برآورده شده و بیمارهایی شفا یابد. اما این امور از استثنائات است و هرگز رویه نبوده و نخواهد بود. البته این ارواح پاک در امور معنوی وسعت و قدرت بسیار فراخ‌تری دارند و اگر نگوییم همه فیض‌های معنوی به وساطت آن بزرگواران به طالبان حقیقت می‌رسد، دست کم بسیاری از بهره‌های معنوی به وساطت آنان است. ائمه معصوم (علیهم السلام) مصادیق کامل «وماتشؤون الا ان یشاء الله رب العالمین»<sup>۱۲</sup> اند؛ یعنی خواست آنان، خواست خدا است و از این رو در همه امور تابع اراده و مشیت خداوندند.

۱۵. شبهه: از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «هنگامی که فتنه همه شهرها را فراگیرد به شهر قم و اطراف آن پناه برید که بلا از آنجا دفع شده است». نیز حدیثی از امام رضا (علیه السلام) به همین مضمون روایت شده است. مفاد این روایت و روایات بسیاری که در فضیلت قم وارد شده و هرگونه بلایی را از قم منتفی می‌داند، چگونه با بیماری فراگیر کرونا در قم سازگار است؟!

پاسخ:

اولاً؛ این روایت را مرحوم مجلسی در کتاب بحارالانوار با دو سند ذکر کرده است. سند اول به امام صادق و سند دوم به امام رضا (علیهما السلام) می‌رسد:

---

۱۲. «و نمی‌خواهند جز آنچه را خداوندگار جهانیان می‌خواهد». (تکویر: ۲۹)

الف) «وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَائِئِهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا» ۱۳.

ب) «وَرَوَى مَرْفُوعاً إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَاعِ قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَائِئِهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَرْفُوعٌ عَنْهَا» ۱۴.

برای پاسخ بررسی سندی و دلالتی روایت فوق لازم است.

اولاً؛ در روایت اول، ابی جمیل از شخص مجهولی با عنوان «رجل» گزارش می‌کند که مرسله بودن سند، روایت را از اعتبار ساقط می‌کند. مضاف بر اینکه خود ابی جمیله مفضل بن صالح، از نظر بسیاری از رجالیان (علامه حلی در خلاصه الرجال)، ضعیف و غیرتقه معرفی شده است. روایت دوم هم از اساس ارزش سندی ندارد؛ زیرا مرفوعه است و روایت مرفوعه به خودی خود، معتبر نیست.

ثانیاً؛ در این روایات، از لفظ «فتنه» استفاده شده که اعم از امراض و بلاهای جسمی است و با توجه به مرکزیت فرهنگ شیعی و علم دینی در قم، می‌توان گفت که منظور از این احادیث، فتنه‌های مذهبی، فکری و عقیدتی است که در آخر زمان دامن شهرها و کشورها را می‌گیرد و در آن شرایط لازم است مردم برای رفع آن به دانشمندان و مراکز فرهنگی و دینی قم پناه برند! در تأیید این تفسیر از روایات، به حدیثی از امام صادق (علیه السلام) اشاره می‌شود:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «به زودی کوفه از وجود مؤمنان خالی و علم در آنجا پنهان می‌شود؛ همچون پنهان شدن مار در سوراخش؛ پس از آن علم در شهری ظاهر می‌شود که به آن «قم» می‌گویند؛ آن شهر معدن علم و فضل می‌شود تا جایی که در روی زمین، مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنها در حجله‌ها! و این در هنگام ظهور قائم ما خواهد بود؛ پس خدا قم و اهل آن را قائم مقام حجت قرار می‌دهد و اگر آن نباشد، زمین اهل خود را در کاش فرو می‌برد و در روی زمین حجتی باقی نمی‌ماند و علم از قم به سایر شهرها در مشرق و مغرب روان می‌شود؛ پس حجت خدا بر مردم تمام می‌شود تا جایی که کسی در روی زمین نماند که دین و دانش به او نرسیده باشد. از آن پس قائم (علیه السلام) ظهور می‌کند و موجب

۱۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۴.

۱۴. همان، ص ۲۱۷.

نقمت و خشم الهی بر بندگان (عصیانگر) می‌شود؛ زیرا خدا از بندگان پس از آنکه حجت را انکار کردند، انتقام می‌گیرد!»<sup>۱۵</sup>

ثالثاً؛ در فهم روایات باید به «درایه الحدیث» توجه کرد که برخی از روایات اسلامی تاریخمند بوده و شرایط زمانی و مکانی خاصی صادر شده است. مثلاً برخی از روایاتی که در فضیلت قم مطرح شده را باید در بستر حوادث سال‌های میانه انقراض دولت امویان و ظهور دولت عباسیان فهم کرد. در اواخر دوران بنی‌امیه قیامی به رهبری «ابن اشعث» در عراق رخ داد که یکی از قبایل عرب ساکن کوفه، به نام بنی اشعر (اشاعره) هم شرکت داشتند. این قیام شکست خورد و بازماندگان آن‌ها در اقصی نقاط مملکت پهناور اسلامی متواری شدند. انقلابیون اشعری به ایران متواری و در «قم» کنونی ساکن شدند. آن‌ها با کمک مردم محلی، در آن منطقه برج و بارویی ساختند و آن را قم نامیدند که تا اندازه زیادی از حکومت مرکزی استقلال داشت. اشعریان از محبان اهل بیت بودند و از این رو «قم» از آن زمان مأمنی برای انقلابیون مختلف شیعی، اعم از کیسانی و عباسی و امامی شد. با انقلاب عباسیان بر ضد امویان، اشعریان قم هم در آن شرکت کردند و پس از روی کارآمدن عباسیان، به پادشاه این همکاری، حکومت قم را به دست گرفتند که استقلالی بیش از پیش داشت. بعدها اشعریان به تدریج به جناح امامی شیعیان نزدیک شدند. به هر حال این روایات بر فرض صحت سند، به چنین ماجراهایی اشاره دارد. نتیجه این که این روایت و روایات مشابه از نظر سند ضعیف است و از لحاظ دلالت، بر امراض و بلاهای جسمی دلالت ندارند؛ بلکه به فتنه‌های عقیدتی و فکری و امنیتی مربوط است!

۱۶. شبهه: آقای تبریزیان، از علمای قم و نجف، ادعا کرده است که هیچ مسلمانی به کرونا گرفتار نمی‌شود؛ در حالی که همه فوت شدگان در ایران مسلمان و بیش‌تر آنان از شهر قم و شیعه بوده‌اند!

پاسخ:

اولاً؛ آقای تبریزیان از علمای به نام قم و نجف نیست. ایشان در طب سنتی و طب اسلامی (به ادعای خودشان) اطلاعاتی دارد. بنابر این ایشان نه از علمای دینی، به معنای خاص کلمه، است و نه نماینده حوزه علمیه و نه نماینده اسلام! نظرات ایشان صرفاً نظرات شخصی است و مسئولیت آن نیز بر عهده خود ایشان است.

<sup>۱۵</sup>. همان، ص ۲۱۳.



ثانیا؛ ایشان مدعی است که کل ماجرای شیوع کرونا، سیاسی است و تأکید می‌کند، این افرادی که مُرده‌اند با کرونا نمرده‌اند و همه همان مرگ و میرهای معمول روزانه پزشکی مدرن است که برای اهداف سیاسی، مبتلا به کرونا اعلام می‌شوند. وی با وجود همه توصیه‌های پزشکی، به مردم توصیه کرده که در مجامع عمومی حضور یابند، صله رحم داشته باشند و در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) شرکت کنند و به زیارتگاه‌ها بروند. اما با توجه به متون دینی و سیره اولیاءالله به نظر می‌رسد این سخنان درست نباشد:

یکم: دنیای ما دنیای اسباب و مسببات است که در آن هر معلولی علت خاصی دارد؛ همچون انبساط فلزات که معلول حرارت است. بیماری‌هایی چون کروناویروس نیز که شیوع فراوانی دارد، معلول عملکرد ویروس خاصی است و برای مقابله با آن رعایت امور بهداشتی و پزشکی لازم است. از این رو هر اقدامی که به پیشگیری از گسترش آن کمک کند، اقدامی عقلانی است؛ از جمله ترک حضور در اماکن عمومی مثل ورزشگاه‌ها، سینماها، نمایشگاه‌ها و غیره.

دوم: همان‌طور که علمای دین اعلام کردند، در کنار رعایت مسائل بهداشتی، نباید از دعا و توسل بی‌بهره ماند؛ اما این تصور که هر چیزی که مربوط به امامان معصوم (علیهم السلام) است باید به صورت غیرطبیعی و از طریق اموری همچون معجزه پیش رود، تصور درستی نیست و قواعد طبیعی در شرایط عادی، حتی در حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) نیز جاری است.

۱۷. شبهه: کاشف الکل که امروز مهم‌ترین ماده ضدعفونی کننده و محافظت از کرونا است توسط محمد بن زکریای رازی کشف شد که فرد ملحدی بود؟! بنابراین شخص ملحد توانسته است مردم را از کرونا نجات دهد اما ...

پاسخ:

اولاً؛ شواهدی وجود دارد که دلالت می‌کند بر این‌که محمد بن زکریای رازی از طبیبان بزرگ مسلمان است. وی غیر از رشته طب در فلسفه و اخلاق نیز آرا و نظریات مهمی دارد. اگرچه در مسلمان بودن او تردیدی نیست، اما گفته شده ایشان برخی اظهار نظرهای خلاف مبانی اسلامی نیز داشته، ولی چنین چیزی مورد شک و تردید محققان و مورخان اسلامی است.

ثانیاً؛ بر فرض این‌که وی ملحد باشد، باز هم چیزی عوض نمی‌شود؛ چون سنت الهی بر این قرار گرفته که عمل هیچ عاملی را ضایع نکند؛ زن باشد یا مرد. بر این اساس زمانی که شخصی زحمت می‌کشد، می‌اندیشد و پشتکار دارد، طبعاً نتیجه این کار را نیز خواهد دید، حالا تفاوت نمی‌کند که این شخص مسلمان باشد یا ملحد، رازی باشد یا دیگران، این شیء مکشوف، الکل باشد یا چیز دیگر. کشف الکل توسط ایشان نشانه مهارت و تبحر در داروسازی است و هرگز به این معنا نیست که او در هر رشته علمی دیگری که ادعایی بکند، ارزشمند است. آیا منطقی و عقلانی است بگوییم چون فلان مهندس هسته‌ای در مسأله خاصی نظریه معتبری دارد، پس هرادعایی در مسائل پزشکی یا جامعه‌شناسی بکند هم معتبر و باارزش است؟! یقیناً نه! زکریای رازی دانشمند و پزشک نام‌آوری است و از این جهت مورد احترام و افتخار ما است، اما دانش او به الحاد ادعایی‌اش، ارزشی نمی‌دهد. البته متأسفانه در دنیای امروز که دنیای سلبریتی‌ها است، برخی از مردم ممکن است از روی نادانی، هرادعایی را از هر فرد مشهوری، ولو هنرپیشه سینما و تأثر، بپذیرند! این امر نشانه مهم‌بودن آن فرد نیست؛ بلکه نشانه سطحی‌نگری و ساده‌لوحی کسانی است که به دنبال چنین افرادی افتاده و کورکورانه از آنان پیروی می‌کنند!

۱۸. شبهه: روحانیون و عالمان دینی به جای توصیه به رعایت بهداشت و امور پزشکی صرفاً به خواندن برخی دعاها و زیارت‌ها توصیه می‌کنند؛ آیا این امر به سخره گرفتن دانش پزشکی و در نتیجه بازی با جان مردم نیست؟!

پاسخ:

نسبت دادن این سخنان به عالمان دینی اتهامی بیش نیست؛ بلکه بر عکس، دانشمندان دین و مراجع تقلید نخست مردم را به رعایت بهداشت و گوش‌دادن به سخنان مسؤولان مربوطه و عمل به آن سفارش نمودند و پس از آن به دعا و توسل سفارش کرده‌اند. برخی از رسانه‌های معاند با تقطیع فایل‌های صوتی و تصویری منتشر شده از علمای اسلام درباره کرونا، کوشش می‌کنند تا علمای دین را افرادی مخالف دانش بشری معرفی کنند، در حالی که همه علما و مراجع معظم تقلید بر رعایت امور پزشکی و بهداشتی و گوش سپردن به توصیه‌های متخصصان و مسؤولان امور بهداشتی تأکید می‌کنند. البته عالمان دین بر اساس وظیفه معنوی خود، مردم را به دعا، توجه به ذات مقدس حق تعالی، توبه و توسل هم توصیه می‌کنند؛ این امور نه تنها آثار حقیقی در دفع و رفع بلاها دارد؛ بلکه می‌تواند به مردم آرامش، اطمینان خاطر، امید و قدرت روحی بخشیده

و آن‌ها را در برابر نگرانی و پریشان حالی ناشی از ترس از بیماری یاری کند. در این راستا به بخش‌هایی از توصیه‌های مقام معظم رهبری که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شد توجه کنید:

ایشان ضمن تأکید بر رعایت توصیه‌ها و دستورالعمل‌های مسئولان در خصوص پیش‌گیری و فراگیری آلودگی کرونا فرمودند: «از این دستورها نباید تخطی شود چرا که خداوند ما را موظف کرده است در قبال سلامت خود و دیگران احساس مسئولیت کنیم. بنابراین هرچه به سلامت جامعه و جلوگیری از شیوع این بیماری کمک کند، «حسنة» و هرچه به شیوع آن کمک کند، «سیئه» است». رهبر انقلاب اسلامی در توصیه‌ای دیگر همگان را به توسل و توجه به پروردگار فراخواندند و گفتند: «البته این بلا آن‌چنان بزرگ نیست و بزرگ‌تر از آن نیز وجود داشته است، اما بنده به دعای برخاسته از دل پاک و صاف جوانان و افراد پرهیزگار، برای دفع بلاهای بزرگ بسیار امیدوارم؛ چرا که توسل به درگاه خداوند و طلب شفاعت از نبی مکرم اسلام و ائمه بزرگوار (علیهم السلام) می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف کند!»

۱۹. شبهه: اگر این بیماری‌ها، ویروس‌ها و مرگ و میرها به علت گناهان مردم است، چرا از قم که مرکز دین و تشیع است و در آن کمتر گناه می‌شود شروع شده است؟! پاسخ:

اولاً؛ اراده الهی بر این تعلق گرفته که نظام کلی حاکم بر جهان، نظام علی و معلولی و سبب و مسببی باشد؛<sup>۱۶</sup> یعنی هر معلولی، علت خاص و هر علتی، معلول مخصوص داشته باشد و بر این اساس بسیاری از فعل و انفعالات و حوادث موجود در این عالم در چارچوب نظام طبیعی قرار می‌گیرد؛ مسائل آب و هوا، میزان بارش باران و بسیاری از حوادث جغرافیایی و طبیعی از همین قاعده پیروی کرده و در چارچوب نظام منسجم علی - معلولی قرار دارد. پس کاملاً طبیعی است که اگر چند نفر مبتلا به کرونا از چین وارد قم و مهمان شخص قمی شوند، این ویروس به دیگران منتقل شده و برخی از مردم قم به این ویروس مبتلا شوند و این واقعیت می‌تواند حتی در فرضی که هیچ گناهی در قم و یا هر شهر دیگری صادر نشده، باز محقق شود.

<sup>۱۶</sup> . مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۳۹۹.

ثانیا؛ اگرچه میان برخی از گناهان با برخی از بلاها رابطه علی - معلولی وجود دارد، اما این طور نیست که تمام بلاها بر اثر گناهان باشد؛ بلکه عوامل مختلفی می تواند در به وجود آمدن بلا دخالت داشته باشد. در این رابطه به چند نکته اشاره می شود:

یکم: برخی مصائب و مشکلات ناشی از اعمال خود انسان است، و این امور گاهی از قبیل عدم رعایت امور بهداشتی و گاهی از قبیل گناه است؛ مثلاً ابتلا به بیماری به دلیل عدم رعایت نکته های بهداشتی از خطاهای عملی انسان است که دامن گیر او و دیگران می شود؛ هرچند در فرض عدم تقصیر در ابتلا به بیماری، خداوند به رحمت خویش بر انسان گرفتار می نگرد و برای دردی که به واسطه آن بیماری تحمل می کند، پاداش هایی در نظر می گیرد و بر اساس مصلحت شخص مبتلا، آن پاداش را در دنیا یا آخرت به او عطا می فرماید؛ اما به هرحال منشأ بیماری، خود انسان بوده است و در فرض مقصر بودن، حتی مستحق پاداش و عوضی از جانب خداوند هم نخواهد بود!

گاهی هم ابتلا به امراض، مصایب و بلاها، ناشی از گناهی است که انسان مرتکب می شود. در این فرض هم خود انسان مسئول پیامدهای آن است. خداوند در قرآن می فرماید: «آنچه از مصائب و ناملایمات به شما رسد، به خاطر اعمالی است که خود انجام داده اید».<sup>۱۷</sup> این آیه به خوبی نشان می دهد مصائب و بیماری هایی که دامن گیر انسان می شود، ناشی از عمل خود انسان است و به این ترتیب یکی از فلسفه های حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می شود. البته پیامدهای مادی گناه همواره در زندگی انسان ها پدید نمی آید و ممکن است به جهان آخرت منتقل شود؛ ولی گاهی خداوند به منظور سبک کردن بار گناه بنده او را در دنیا عقوبت می کند. این عقوبت هم در حقیقت ناشی از مهر و رحمت واسعه الهی است که می خواهد بنده اش پاک و سبکبار از این دنیا منتقل شود. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از پیامبر گرامی خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که فرمود: «این آیه (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ... ) بهترین آیه در قرآن مجید است. ای علی! هرخراشی که از چوبی بر تن انسان وارد می شود، و هرلغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سر زده است. آنچه خداوند در دنیا از بندگانش عفو می کند، گرامی تر از آن است که (در قیامت) در آن تجدید نظر فرماید (و آنان را عقوبت کند) و آنچه را که در این دنیا عقوبت فرموده، عادل تر از آن است که

---

<sup>۱۷</sup>. شوری: ۳۰.

در آخرت بار دیگر کیفر دهد!<sup>۱۸</sup> به این ترتیب این‌گونه مصائب علاوه بر اینکه بار گناه انسان را سبک می‌کند به او قدرت خودکنترلی در رفتارهای نادرست می‌دهد.

البته ظاهر آیه ۳۰ سوره شوری عام است و همه مصائب را در بر می‌گیرد، ولی مطابق معمول در الفاظ عام و مطلق، استثناهایی وجود دارد، مانند مصائب و مشکلاتی که دامن‌گیر انبیا و ائمه معصوم (علیهم السلام) می‌شده که برای ترفیع مقام یا آزمایش آن‌ها بود و همچنین مصائبی که گریبان غیرمعصومان را می‌گیرد و جنبه آزمون دارد.

دوم: اگر بشر زندگی راحت و خالی از هرگونه ناملازمات داشته باشد، ارزش راحتی و آسایش را درک نخواهد کرد؛ زیرا بشر با غرور، شهوت، امیال و غرایزی که دارد، اگر به حال خود رها شود و هیچ وسیله بیدار باشی نداشته باشد، اندک اندک حدود و حقوق را فراموش کرده و طبعاً به هرگونه خواسته‌های نامشروع امیال و آرزوهای پست تن خواهد داد و این امر برای او پیامدهای نامطلوبی در پی دارد. گاهی بشر به یک بانگ بیدار باش و زنگ خطر نیازمند است تا فطرت ذاتی‌اش بیدار شده و به خداوند رو آورد. علت برخی از مصائب و مشکلات این است که انسان، دل‌بسته و اسیر زرق و برق این جهان مادی نشده و آن را جاودانه نپندارد. بنابراین مصائب و مشکلات زنگ بیداری‌اش برای غافلان، شلاق بر ارواح خفته، رمز ناپایداری جهان مادی و اشاره‌ای به کوتاه‌بودن عمر این زندگی است. البته این هم رحمتی از جانب خداوند متعال در حق بندگان است؛ چرا که هم بندگان را در مسیر حق نگه می‌دارد و هم بابت درد و سختی ناشی از بلای وارد شده، پاداشی درخور مرحمت خواهد کرد.

سوم: آزمایش الهی؛ یکی از علت‌های وجود مشکلات در زندگی به خاطر امتحان انسان است؛ چنانکه انسان‌های وارسته مانند حضرت ابراهیم خلیل‌الرحمان بارها مورد آزمایش قرار گرفته تا به رشد معنوی نائل شوند.

چهارم: مردم قم هرگز تافته جدابافته‌ای از دیگر مردمان نیست‌اند؛ هرستی که بر دیگر انسان‌ها جاری است بر مردم قم نیز جاری است. بنابراین بلاهایی که بر اهل قم نازل شود، برای خوبان‌شان درجه و آزمون صبر و شکر و برای بدکاران‌شان عقوبت و کیفر الهی است!

<sup>۱۸</sup> . محمد بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۳۰ شوری.

۲۰. شبهه: شیوع ویروس کرونا از قم، تاوان سوزاندن کتاب پزشکی هاریسون توسط آقای تبریزیان

است. این ادعا از لحاظ عقلی و علمی چقدر می‌تواند درست باشد؟

پاسخ:

در این که سوزاندن کتاب هاریسون (بدون نظر داشتن به مفید بودن یا نبودن آن برای جامعه بشری) کار اشتباهی بوده، جای تردیدی نیست؛ اما آیا این عمل می‌تواند عامل شیوع بیماری در شهر قم باشد؟ پاسخ ضمن نکاتی ارائه می‌شود:

یکم: اگر مراد از این جمله که «تاوان بودن ویروس کرونا نسبت به سوزاندن کتاب پزشکی هاریسون» ملازمه عقلی بین این دو باشد، چنین ادعایی هم از نظر عقلی و هم از نظر علمی مردود است. اما از نظر عقلی، بین علت و معلول همواره باید سنخیت باشد؛ یعنی از علت خاصی معلول مرتبط با آن صادر می‌شود و هر معلولی، علت خاص خویش را طلب می‌کند. بنابراین نمی‌توان هر معلولی را به علتی غیرمرتبط با آن نسبت داد. در محل بحث ما نیز شیوع ویروس کرونا در قم معلولی است که با علتی که بیان شده (آتش زدن کتاب هاریسون) ارتباط اثبات شده‌ای وجود ندارد؛ چه ارتباطی منطقی بین شیوع بیماری و آتش زدن کتاب وجود دارد؟ کسی که چنین ارتباطی را ادعا می‌کند، باید برای تبیین آن دلیل معتبری اقامه کند؛ وگرنه به صرف ادعا می‌توان هر چیزی را به چیز دیگری ربط داد! از نظر علمی نیز مردود است؛ زیرا علم نیز شیوع بیماری را معلول عواملی از قبیل عدم رعایت بهداشت فردی و غیره می‌داند. هیچ دانشمند تجربی، علت شیوع بیماری را آتش زدن کتاب خاصی نمی‌داند. حال کسانی که چنین ادعایی دارند به روش تجربی آن را ثبات کنند! چنین ادعاهایی بیش‌تر به تخیلات شاعرانه می‌ماند که آسمان و ریسمان را به هم گره زده و هر چیزی را به چیز دیگری ربط می‌دهد. وجود ارتباط علیّ میان دو پدیده باید به واسطه عقل یا علم اطمینان‌بخش و یا دین حقیقی اثبات شود و غیر از این سه روش، هیچ روشی اعتبار معرفت‌شناختی ندارد و اگر مراد آن باشد که ویروس کرونا، تاوان و نتیجه گناه سوزاندن کتاب هاریسون بوده است، باید گفت: اولاً گناه بودن چنین امری اثبات شده نیست تا عقوبتی در پی داشته باشد. ثانیاً اگر فرض بگیریم آتش زدن کتاب هاریسون گناه بوده و عقوبت دنیایی داشته باشد، شاید تنها افراد بسیار معدودی از مردم قم با چنین رویدادی موافق بوده‌اند، حال آیا عدالت الهی این را بر می‌تابد که هزاران فرد بی‌گناه را به سبب گناه شمار معدودی مبتلا سازد؟! یقیناً چنین امری با عدالت خداوند سازگار نیست.

دوم: ویروس کرونا متأسفانه نه تنها در قم بلکه در شهرهای متعددی در ایران و نه تنها در ایران، بلکه تا اینک در بیش از ۱۰۰ کشور جهان در حال گسترش است. بنابراین بر فرض اگر قبول کنیم آتش زدن کتاب هاریسون عامل شیوع بیماری در قم است، در شهرهای دیگر ایران و در کشورهای دیگر که مدت‌ها قبل از ایران گرفتار این ویروس شدند، چه باید گفت؟؟ آیا در چین که بیش از ۳۰۰۰ نفر جان خویش را از دست داده‌اند، کرونا ویروس به علت آتش زدن کتاب هاریسون بوده است!؟

سوم: کلیپی که از فردی به نام آقای تبریزیان منتشر شده مربوط به بیش از ۳ سال قبل و در پاسخ به آتش زدن کتاب قانون بوعلی توسط برخی از یهودیان صورت گرفته است. حال اگر ارتباطی میان کار آقای تبریزیان و شیوع بیماری در قم باشد، طبیعتاً باید قم سه سال قبل به این بیماری گرفتار می‌شد، نه پس از گذشت سه سال از آن رویداد! بنابر این ارتباط دادن میان کتاب‌سوزی آقای تبریزیان و شیوع کرونا در قم، انگاره بسیار دور از ذهنی است.

۲۱. شبهه: روحانیون شیعه ادعا می‌کردند، توسل به اهل بیت و وجود حرم‌های مقدس مایه برکت و دورماندن شهرهای زیارتی از بلا است، در حالی که الآن ویروس کرونا از قم آغاز و گسترش یافته است!

پاسخ:

اولاً؛ یکی از آفت‌های بزرگ در فرایند شناخت و مبارزه با مشکلات مادی و روانی بشر، تک‌سونگری و تقلیل‌گری است که از نظر عقل و علم مردود است. مثلاً تقلیل علل پدیدآمدن و شیوع بیماری‌ها به مسائل بهداشت محیطی و جسمی نوعی تقلیل‌گرایی است. یعنی فروکاهش علل به علل مادی و محسوس! عقل و علم بشر محدود است و با وجود پیشرفت‌های زیادی که در علوم طبیعی و انسانی صورت گرفته، بشر هرگز نمی‌تواند به صورت یقینی ادعا کند که می‌تواند به همه پدیده‌ها از همه ابعاد، سطوح و زوایا آگاه شده و آن‌ها را در کنترل خود در آورد. زندگی انسان‌ها بسیار پیچیده‌تر از آن است که عقل و علم به همه ابعاد آن آگاه شود. به همین سبب تقلیل علت یک بیماری یا شیوع آن در امور مادی، خطای علمی و عقلی بزرگی است. در آیات قرآن کریم و روایات معتبری که از پیشوایان دینی به ما رسیده، علل ایجاد و شیوع برخی از بیماری‌ها، به خصوص بیماری‌های بنیان‌کن، فراگیری برخی از گناهان عنوان شده است. بنابراین هم‌چنان‌که می‌بایست به نظر پزشکان در رعایت امور بهداشتی جسمی و محیط زیست توجه کرد، باید به نظر

متخصصان دینی و وجدان اخلاقی در اینکه شیوع گناهان و رفتارهای غیراخلاقی هم در این امر عاملیت دارد، اعتنا کنیم.

ثالثاً؛ مشکلات مادی و بیماری‌های جسمی زنجیره‌ای از علل و عوامل دارند که برخی مادی و برخی ممکن است روحی - معنوی باشد. اگر چه علل و عوامل روحی و معنوی هم با وساطت علل مادی در جسم انسان اثر می‌گذارد، ولی از لحاظ عقلی و علمی نمی‌توان ادعا کرد که مشکلات و بیماری‌های جسمی تنها علل و عوامل جسمی دارد.

ثالثاً؛ امروزه در روان‌پزشکی، پزشکی و روان‌شناسی مدرن اثبات شده که منشأ بسیاری از بیماری‌های جسمی و از جمله بیماری‌های صعب‌العلاج، نابسامانی‌های روانی مثل استرس، اضطراب و افسردگی است. بیماری‌های روان‌تنی، بیماری‌هایی جسمی با منشأ روانی است. از این رو اگرچه رعایت اصول و مسائل بهداشتی اهمیت دارد، اما به تنهایی نمی‌تواند بیماری‌ها را از بین ببرد. مشکلات روان‌شناختی موجب تضعیف سیستم ایمنی بدن شده و بدن را در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. اعتقادات دینی، دعا، مناجات با خدا و توسل به ارواح پاکان علاوه بر آثار معنوی و تکوینی، عامل مهمی در آرامش، امید و احساس تسلط بر زندگی است و به تقویت سیستم ایمنی بدن کمک فراوان می‌کند. افراد بی‌دین و لامذهب، به سبب اینکه در بحران‌ها ممکن است خود را بیازند و احساس استرس و ناامیدی کنند، نسبت به مؤمنان در برابر بیماری‌ها آسیب‌پذیری بیش‌تری دارند.

رابعاً؛ ویروس کرونا از قم شروع و گسترش پیدا نکرده است؛ بلکه شروع آن از کشور چین شهر ووهان بوده است. اما در ایران، قم اولین شهری بود که قادر به شناسایی این ویروس شد و الا طبق اظهارات برخی از صاحب‌نظران این ویروس قبل از قم، در تهران وجود داشته است. هرچند تقدم وجود ویروس در هر شهری، نباید عاملی برای تحقیر و توهین به آن شهر و ساکنان آن شود؛ چرا که این امر ممکن بود در هر شهری اتفاق بیافتد.

خامساً؛ مسئله توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) و شفابخشی توسط آن‌ها مورد تأیید دین است؛ اما اینگونه امور به صورت دائمی نبوده و در موارد خاصی با شرائطی که خداوند متعال بدان عالم است، اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر این مسئله در امور دنیا به صورت استثنا است و اینگونه نیست که هرکسی به حرم اهل بیت رفته و یا توسل و دعایی کرده باشد، بلافاصله شفا یافته باشد؛ همچنین اینگونه نیست که هرکسی



دعا و توسل کند، دیگر نیازی به استفاده از دارو برای رفع بیماری و یا انجام اقدامات احتیاطی به منظور پیشگیری از بیماری‌های واگیردار نداشته باشد. به همین دلیل مراجع معظم تقلید که بیش از دیگران اهل ذکر، دعا و توسل‌اند، با وجود اینکه مردم را به ذکر، دعا و توسل فرامی‌خوانند، هم‌زمان آن‌ها را به رعایت دستور العمل‌های بهداشتی و اقدامات احتیاطی پیشگیرانه نیز دعوت می‌کنند و خود نیز با تعطیلی درس‌ها و برنامه‌های اجتماعی در این زمینه پیشگام بوده‌اند. به عنوان مثال حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی سخنانی در این زمینه ایراد فرمودند: «برای مقابله با این بیماری باید بر اعصاب خود مسلط باشیم و از ترس و استرس پرهیز نماییم. ... خوب است در تمام خانه‌ها زیارت عاشورا و حدیث کسا خوانده شود، زیرا این دو به همه روحیه می‌دهد و آثار گران‌بهایی دارد. ... در این مقطع زمانی معاشرت‌ها و حضور در مراکز عمومی صحیح نیست. ... از جمله مسائلی که بر هرانسانی واجب است، حفظ جان و سلامت است و اگر انسان در این زمینه کوتاهی کند، در پیشگاه خداوند مسئولیت دارد!»<sup>۱۹</sup> مقام معظم رهبری نیز ضمن تأکید به رعایت مسائل بهداشتی و عمل به دستورات پزشکی و اینکه انجام این توصیه‌ها مصداق «حسنه» است، مردم را به توسل و توجه به پروردگار فراخواندند و گفتند: «من توصیه می‌کنم همه دعای هفتم صحیفه‌ی سجّادیّه را که دعای خیلی خوبی است، با توجه به معنا، بخوانند و با این الفاظ زیبا از خدای متعال کمک بخواهند!»

۲۲. شبهه: مگر اینجا کشور امام زمان و اهل بیت (علیهم السلام) نیست؟! پس این همه بلا و مصیبت عمومی در غرب و شرق و جنوب و شمال آن برای چیست؟! چگونه می‌توان این‌ها را تبیین کرد؟

پاسخ:

اولاً؛ نظام جهان بر پایه زنجیره اسباب و مسببات سامان گرفته و جریان دارد. در این نظام هر معلولی علت یا عللی دارد. حوادث طبیعی، چه سودمند و چه زیان‌بار، دارای زمینه‌ها و عللی است که از آن تخلف نمی‌کند. چه کشوری که مردم آن به امام زمان اعتقاد دارند و چه کشورهایی که چنین اعتقادی ندارند. البته علل حوادث در علت‌های مادی منحصر نیست و بسیاری از حوادث طبیعی زمینه‌های و علل معنوی هم دارد؛ هرچند علل معنوی همواره توسط علل مادی اثر می‌کند. مثلاً بی‌اعتنایی به امور اخلاقی، ظلم‌ها و حق‌کشی‌های فراگیر، ممکن است موجب کاهش باران و خشکسالی شده و از این راه بر رشد منفی

<sup>۱۹</sup> . سخنان ایشان از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد و بر روی سایت ایشان هم قرار گرفته است.

نیازمندی‌های غذایی یک جامعه تأثیر منفی بگذارد. بر این اساس سنت‌های الهی در همه جای جهان به یک منوال است و استثنایی در آن نیست. حتی در اموری که ما آن را استثنا می‌پنداریم، باز بر اساس سنت و سببی انجام می‌گیرد. اعتقاد به امام زمان به همراه عمل به ارزش‌های مورد رضایت آن امام یقیناً موجب بروز و ظهور خیرهای معنوی فراوان می‌شود. حتی ممکن است با دعای آن حضرت برخی از بلاهای بنیان کن از جامعه مهدوی برطرف شود. اما این اعتقاد و ارتباط به معنی این نیست که چنین کشور و جامعه‌ای یکسره از دیگر کشورها متفاوت شده و سنت‌های دیگری بر آن حاکم می‌شود. در دروان حیات پیامبر و حکومت امام علی (علیهما السلام) هم با وجود اینکه پیامبر و امام در میان امت حضور دارد، حضورشان از پیدایش شکست‌ها، تنگناها و مشکلاتی که به صورت طبیعی یا در اثر کوتاهی‌ها و خطاهای انسانی پدید می‌آید، جلوگیری نکرده است.

ثانیا؛ بلاها، مصیبت‌ها و شرور لازمه عالم مادی است و حذف مطلق شرور از صحنه زندگی انسان مساوی با فانی شدن نظام عالم مادی است. فارابی فیلسوف بزرگ اسلامی در این باره می‌گوید: «خدا که در قدرت و حکمت و علم خود تام است، تمامی افعال او کامل و بدون نقص و عیب است و آفات و شروری که بر اشیای طبیعی عارض می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است. عالم ماده، نمی‌تواند خیر محض را بپذیرد.»<sup>۲۰</sup> با توجه به این مطلب تصور این که ایران چون کشوری اسلامی و شیعی و مورد عنایت اهل بیت (علیهم السلام) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، باید از هرگونه بلا، مصیبت و شری در امان باشد، تصویری نادرست است؛ مکه مکرمه و خانه خدا (کعبه) که مقدس‌ترین مکان اسلامی است، بارها گرفتار سیل شده و خانه خدا ویران گشته است. حال کسی نگفته که چون کعبه در مکه قرار دارد، نباید سیل آنجا را خراب کند! هیچگاه تقدس اماکن، نقش پیشگیرانه انسان‌ها در مقابله با بلاها را از بین نبرده و نخواهد برد. درست است که کشور ایران نسبت به کشورهای دیگر بیش‌تر مورد عنایت امام زمان (عج) است و این امر در حوادث بسیاری به اثبات رسیده، ولی این باعث نمی‌شود که از عوامل پیشگیری از بلاها غفلت ورزیم. درباره بیماری ویروس کرونا نیز رعایت امور بهداشتی و پزشکی، و روان‌شناسی در راستای نظام علی و معلولی است و رعایت آن بر همه انسان‌ها واجب است؛ همچنانکه توبه، دعا، توسل و پناه بردن به خداوند و اولیای پاکش نیز باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

<sup>۲۰</sup>. فارابی، تعلیقات، تحقیق و مقدمه و پاورقی جعفر آل یاسین، ص ۴۶.

ثالثاً؛ برخی از این بلاها و شرور از آزادی و اختیار انسان‌ها در عمل ناشی است. خداوند متعال به انسان نعمت آزادی و اختیار ارزانی داشته و خوبی‌ها و بدی‌ها را نیز به او الهام کرده است. همچنین دستورهای سعادت‌بخشی را از طریق رسولان برای تکامل به انسان نازل فرموده است. برخی از انسان‌ها با اختیار خویش اعمال شرورانه‌ای انجام می‌دهند که لازمه آن، رنج و عذاب دیگران است. بنابراین برخی از شرور و بلاها از شرارت انسان‌ها حاصل می‌شود. درباره شیوع برخی بیماری‌ها مانند ایدز و ویروس کرونا نیز طبق تحقیقات برخی متخصصان، عامل این بیماری‌ها ارتباط نادرست انسان با حیواناتی نظیر میمون و خفاش است. بنابراین اینگونه بیماری‌ها ناشی از خطای انسان‌هایی است که از اختیار خود سوءاستفاده می‌کنند! البته احتمال ساخت و انتشار ویروس‌هایی مثل کرونا توسط دشمنان بشریت هم وجود دارد که احتمال قابل‌اعتنایی است، ولی هنوز شواهد قوی و معتبری به سود آن وجود ندارد!

۲۳. شبهه: چرا تقدیرهای بد همواره در کشورهای اسلامی است و با کشورهای غربی بی‌خدا کاری

ندارد؟!

پاسخ:

اولاً؛ جهان آفرینش سرشار از پدیده‌های مثبت و منفی است و هرپدیده‌ای از جمله رخدادهای خوب و بد با عوامل خاص و متناسب خود مرتبط است؛ مثلاً حوادث طبیعی که از شرایط طبیعی و جغرافیایی ناشی است و به کشورهای اسلامی یا غیراسلامی ربطی ندارد؛ البته این امر هرگز به معنای نفی علل غیرمادی نیست. در بسیاری از رخدادها علاوه بر علل مادی، علل معنوی هم وجود دارد اما علل معنوی همواره آثار خود را از طریق علل مادی اعمال می‌کند. ضمن اینکه شرایط نامطلوب عمدتاً راه‌های برون رفت نیز دارد و می‌توان از تدبیرها و راهکارهای علمی مقابله با آن بهره جست.

ثانیاً؛ صرف انتساب مردم یک جامعه به اسلام موجب نمی‌شود که سنت‌های الهی درباره آنان تغییر کند و آن مردم از گزند حوادث جهان محفوظ و مستثنا باشند. برخی از شرور و بلاها و نیز خیرها و نعمت‌ها صرفاً ناشی از قرار گرفتن کشور یا منطقه‌ای در شرایط خاص اقلیمی است. البته بسیاری از زمینه‌ها و علل خیرات و شرور به رفتارهای انسان‌ها وابسته است و در این خصوص تفاوتی میان مسلمان و نامسلمان نیست. مثلاً نظم، سخت‌کوشی، علم‌آموزی، برنامه‌ریزی، آینده‌نگری، حق‌طلبی، اتحاد و انسجام اجتماعی و غیره زمینه و عامل بسیاری از خیرهای عمومی و خصوصی است. حال اگر مسلمانان به این امور بی‌توجه باشند،

طبیعتا از آثار مثبت آن نیز محروم شده و به پیامدهای منفی فقدان آن گرفتار می‌شوند. گرفتاری‌های مردم در کشورهای اسلامی در بسیاری از موارد از بی‌اعتنایی به سنت‌های الهی و عمل نکردن به فرمان‌های دین است؛ نه ناشی از مسلمان بودن آن‌ها.

ثالثا؛ این ادعا که اکثر اتفاقات بد همواره در کشورهای اسلامی رخ می‌دهد، ناشی از بی‌اطلاعی از اخبار و حوادث جهان است. به عنوان مثال مهم‌ترین مسأله‌ای که در هفته‌های اخیر ذهن جهان را با خود مشغول کرده، گسترش ویروس کرونا است که منشا آن کشور چین است؛ کشوری که به لحاظ اعتقادی، یک کشور بی‌خدا و حتی ضدخدا محسوب می‌شود. نمونه‌های دیگری از این حوادث که اخیرا در کشورهای غربی و شرقی غیرمسلمان مشاهده شده است، عبارت است از: آتش سوزی‌های گسترده در جنگل‌های استرالیا که علاوه بر از بین رفتن چند میلیون هکتار و کشته شدن افراد پرشمار، موجب مرگ یک میلیارد جانور و انقراض بیش از ۳۰ گونه گیاهی و جانوری و خسارت‌های مالی فراوان دیگر شد، طوفان‌های سهمگین (مثل طوفان‌های مایکل، کاترینا، دوریان، اپال، ایزابل، هوگو، جین، آلیسون، فرانسیس، ریتا و ...) در آمریکا که هر ساله موجب تلفات جبران ناپذیری در این کشور می‌شود، زمین لرزه‌ها و سونامی‌های وحشتناک در ژاپن که جدیدترین نمونه مخرب آن، زمین لرزه و سونامی ۲۰۱۱ توهوکو بود، زمین لرزه هائیتی در سال ۲۰۱۰ با بیش از سی صد هزار کشته، فوران آتش فشان گواتمالا در سال ۲۰۱۸ با نزدیک به ۵۰۰ نفر کشته و خسارت‌های فراوان، آتش سوزی جنگل‌های کالیفرنیا در سال ۲۰۲۰ که ده‌ها کشته و نابودی ده‌ها هزار هکتار جنگل و خانه مسکونی را به دنبال داشت و ... آنچه در اینجا اشاره شد نمونه‌ای از حوادث وحشتناک در کشورهای غیر مسلمان بود که انگاره غلط اختصاص بلاها و مصیبت‌ها به کشورهای اسلامی را نقض می‌کند.

رابعا؛ اگر چه بسیاری از کشورهای اسلامی درگیر حوادث و بلاهای غیرطبیعی همچون جنگ است، اما ریشه یابی دقیق بسیاری از این حوادث حاکی از این است که کشورهای غیر مسلمان و به ویژه کشورهای غربی، عامل اصلی و یا حداقل آتش افروز و حامی این جنگ‌ها بوده‌اند؛ به عنوان مثال ملت مسلمان فلسطین در شرایطی درگیر جنگی خانمان سوز و آوارگی هفتاد ساله است که عامل اصلی این جنگ، سیاست‌های استعماری قدرت‌هایی همچون آمریکا و انگلیس در کوچاندن یهودیان آواره به سرزمین فلسطین و اخراج مردمان اصلی این سرزمین از خانه خود بوده است. همچنین جنگ‌های خانمان سوز منطقه همچون جنگ سوریه، یمن، عراق و ... همه ریشه در سیاست‌های غلط نظام سلطه جهانی دارد. آمریکا و دیگر قدرت‌های

استکباری با ایجاد و حمایت از گروهک‌های دست‌ساخته‌ای همچون داعش، طالبان، القاعده و غیره و یا تحریک برخی کشورهای زیاده‌خواه همچون عربستان و امارات، منطقه را درگیر جنگ و خشونت نموده‌اند!

۲۴. شبهه: پس از انتشار کلیپ‌هایی که در آن برخی از پرستاران مراکز درمان کرونا مشغول رقص و پایکوبی‌اند، یکی از هنرپیشه‌های ظاهرا بی‌حاشیه که در سینما و تلویزیون بیش‌تر نقش‌های مثبت و مذهبی را بازی کرده و ذهنیت مثبتی از خود در اذهان مردم ایجاد کرده، با نشر یک استوری در فضای مجازی، تنها راه حل بحران کرونا را رقص و پایکوبی در سراسر کشور دانسته و مردم را به انجام رقص و شادی دعوت کرده است. وی حتی پا را از این فراتر نهاده و در توهینی سخیف و بسیار بی‌ادبانه، مخالفان رقص را بیرون از گونه انسانی معرفی کرده است!

اولاً؛ اظهارنظر در مسائل تخصصی در صلاحیت همه افراد نیست. همچنانکه اظهارنظر درباره فنون و مسائل هنرپیشگی در صلاحیت هنرپیشگان حرفه‌ای و مدرسان سینما است، اظهار نظر درباره مسائل بهداشتی به پزشکان، مسائل روان‌شناختی به روانشناسان و مسائل معنوی به عالمان دین اختصاص دارد. بنابر این اظهار نظر یک هنرپیشه در موضوع مقابله با کرونا فاقد اعتبار عقلی و علمی است؛ هرچند ممکن است برخی از افراد به علل و انگیزه‌های گوناگون از آن استقبال کنند.

ثانیاً؛ انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف واکنش‌های خاصی از خود نشان می‌دهند. برخی از واکنش‌ها، فطری است و برخی اکتسابی و معلول آموزش و تربیت محیطی است. کنش‌ها و واکنش‌های فطری در همه جا و همه افراد یکسان و نشانه بهنجاری است؛ در حالی که واکنش‌های اکتسابی ممکن است ناشی از آموزش غلط یا نابهنجاری روانی باشد. انسان‌ها به صورت فطری در موقعیت‌های غم‌انگیز، غمگین و در موقعیت‌های شادی‌آور، شادی می‌کنند. اگر فرد یا افرادی در موقعیت غم‌انگیز، شادی و در موقعیت شادی‌آور، غمگینانه رفتار کنند، نابهنجار محسوب می‌شوند. این روزها که مردم کشور ما با مسأله مهم کروناویروس و ابتلای برخی از هموطنان به این بیماری و از دست رفتن شماری دیگر مواجه‌اند، موقعیت شادی‌آفرین و طرب‌انگیزی نیست. همه در حالتی از غم و ناراحتی به سر می‌برند و از این رو نیازمند آرامش روانی و اطمینان خاطر معنوی‌اند. اگر فرضاً پرستارانی در موقعیت خاص بیمارستان، رفتار نامتعارفی مثل رقص، از خود نشان دهند، فارغ از علل و زمینه آن رفتار، اصلاً رفتاری قابل توصیه به دیگران نیست. امروزه بسیاری از هموطنان ما در سوگ خفته عزیزان‌شان در فشار روانی‌اند و آنچه تسلائی خاطر این عزیزان است،

همدردی، همدلی و یاری آنان در تحمل این دردها و غصه‌ها است. آری! شادی، نشاط و بالابردن روحیه در چنین شرایطی لازم است. حمایت عاطفی، مهربانی، کمک رسانی به همدیگر، ورزش و فکر مثبت موجب حفظ سلامتی و تندرستی افراد است، اما رفتارهای سخیفی مثل رقص که نشان از سرمستی و بی‌دردی است، نه تنها دردی را داوا نمی‌کند بلکه نمکی بر زخم هموطنان سوگمند ما است. اکنون زمانه حفظ امید، بالابردن سطح معنویت جامعه، امیدبخشی و حمایت عاطفی از یکدیگر است. اکنون هنگام دعا و استمداد از خدا است و توصیه به چالش‌هایی مثل رقص گمراه کردن جامعه است. جامعه نباید درد خود را فراموش کند، بلکه می‌بایست با آن مقابله‌ای هوشمندانه و عاقلانه داشته باشد

ضمن آن‌که برچسب مخالفت با نشاط و شادی جامعه به منتقدان چنین رفتارهای سخیفی، نسبت ناروا و مغالطه‌ای روشن است.

ثالثاً؛ در بلاهای فراگیری که راهکار خاصی برای رفع آن در دسترس نیست و انسان‌ها از مواجهه علمی و تجربی با آن ناتوان‌اند، حالتی رخ می‌دهد که در فرهنگ قرآنی از آن به «اضطرار» یاد می‌شود؛ یعنی حالتی که فرد غیراز خدا هیچ امیدی نداشته و کاملاً درمانده است. در این هنگام آنچه انسان را از درماندگی و فروپاشی روانی نجات می‌دهد، پناه بردن به رحمت الهی و استمداد از اولیای الهی است. در حالی است که دعوت بیماران و شهروندانی که هر لحظه ممکن است به این بیماری گرفتار شوند، به چالش‌های ساختگی و بیهوده همچون رقص و پایکوبی، نه تنها کمکی به آرامش عمیق و گسترده نمی‌کند و می‌تواند به بی‌بندباری و بی‌عفتی گسترده در فضای واقعی و مجازی کشور تبدیل گردد، مردم را از فرصت بی‌نظیر دعا و توجه به خداوند محروم کند؛ چنانکه توصیه و تبلیغ برخی افراد سودجود و خائن به نوشیدن الکل برای در امان ماندن از کرونا به مرگ تعدادی از هموطنان ما منتهی شده است!

۲۵. پرسش: این روزها کلیپی از اکبر عبدی، هنرپیشه سینما و تلویزیون در سطح وسیعی منتشر شده که در حال معاشقه با سگ دست‌آموزی است. وی درحالی که سگ مرتباً صورتش را لیس می‌زند، به سگ می‌گوید برای ما پیش خدا دعا کن که بلاها را از ما بگرداند! با توجه به تأثیرگذاری رفتار شخصیت‌های محبوب و مشهوری مثل عبدی، آیا این امر نوعی شبهه افکنی و تمسخر اعتقادات دینی مردم نیست؟!

اولاً؛ رفتار و گفتار هرکسی جز معصومان (علیهم السلام) به خودی خود هیچ اعتباری ندارد. رفتار و گفتار باید بر منطق عقلانی و دینی استوار باشد تا بتوان برای آن اعتباری قائل شد. شهرت، محبوبیت، تخصص در یک رشته خاص، هرگز دلیلی بر اعتبار مطلق رفتارها و گفتارهای افراد نیست. بنابر این اگر کسی به سخن یا رفتار فرد مشهوری، به صرف مشهور بودن استناد کند و بخواهد شهرت یا محبوبیت فردی را دلیل درستی سخن یا رفتار او بداند، در واقع نشانه نابخردی خود او است!

ثانیاً؛ مهربانی و ترحم بر حیوانات، امری ستوده و انسانی است و در دین ما هم به آن سفارش شده است؛ آن چنان که خود معصومان (علیه السلام) هم با حیواناتی که در محیط زندگی شان، با ترحم و مهربانی رفتار می‌کرده‌اند. بر این اساس رفتار اکبر عبدی با سگش از این جهت، رفتار حرام یا حتی مکروهی نیست؛ هرچند رفتارهای نزدیک و عاشقانه با حیوانات، ضمن اینکه با اصول بهداشتی در تضاد است، می‌تواند نوعی رفتار نابهنجار تلقی شود؛ زیرا حیوانات، اگرچه مهربانی را تا اندازه‌ای، می‌فهمند و گاهی از روی غریزه با انسان، مهربانی می‌کنند، اما عشق و رابطه انسانی را درک نمی‌کنند و معاشقه با آنان رفتاری غیرعقلانی است. عشق میان دو انسان امری متعالی و دارای ژرفایی عقلانی و معنوی است و هرگز چنین امری میان انسان و حیوان اتفاق نمی‌افتد. مقام بلند انسان آنچنان است که حتی عشق میان انسان و فرشته هم ممکن نیست؛ زیرا فرشتگان نیز از رسیدن به مقام انسانی ناتوان‌اند.

ثالثاً؛ چنین صحنه‌هایی جز توهین به شعور و عوطف انسانی چیز دیگری نیست؛ امروزه برخی از سلبریتی‌هایی که تنها می‌توانند ژست روشنفکر بگیرند، برای نقد و اعتراض به برخی ارتباطها و رفتارهای غیرانسانی میان انسان‌ها، ناخودآگاه به کل انسانیت و عواطف انسانی توهین می‌کنند؛ این افراد از فرط خودشیفتگی و میل به نمایشگری، چنان سخن می‌گویند که گویی دیگر هیچ انسان شریف و اخلاق‌مداری در جهان وجود ندارد که سزاوار عشق انسانی باشد و باید عشق و مهربانی را از سگان آموخت و با سگان تجربه کرد. روانشناسی چنین رفتارهایی از آن حاکی است که چنین افرادی یا از عقده حقارت و میل شدید به خودنمایشگری رنج می‌برند و یا به سبب شکست در ایجاد ارتباط سالم عاطفی با دیگر انسان‌ها، گرفتار سرخوردگی شدیدی شده و به رابطه سطحی، کم‌دردسر و ساده با حیوانات پناه برده‌اند. از نگاه روان‌شناختی به نظر می‌رسد چنین رفتارهایی بیش از هرچیز ناشی از نوعی خودشیفتگی نامطلوب است که فرد را به سمت رفتارهایی عجیب و غریب کشانده تا از این رهگذر، متفاوت بودن خود با دیگر افراد جامعه را به رخ دیگران بکشد!

رابعاً؛ اینکه آقای عبدی به سگش می‌گوید «برای ما پیش خدا دعا کن»، اگرچه به خودی خود، رفتار حرام و ممنوعی نیست، اما رفتاری نابخردانه است؛ زیرا حیوانات فاقد شعور انسانی‌اند و معنای دعا و اموری این چنین را نمی‌فهمند. هرچند حیوانات هم در جهان خودشان با خالقشان ارتباط‌هایی دارند و بسا مهربانی با یک حیوان موجب رفع ناراحتی یا رسیدن خیری به انسان می‌شود؛ اما در خواست دعا از حیوانات رفتاری غیرمنطقی است.

خامساً؛ متأسفانه چنین رفتارهایی نه تنها به گسترش مهربانی و اخلاق انسانی کمک نمی‌کند، بلکه عواطف و اخلاق انسانی را فاسد کرده و الگوی نامناسبی برای دیگران معرفی می‌کند. بهتر بود آقای عبدی این معاشقه را با کودکان، سالمندان و نزدیکان خود انجام می‌داد و در عمل، مهرورزی بدون چشم داشت با دیگر انسان‌ها را می‌آموخت. اگر افرادی مثل آقای عبدی نگران مهربانی و محبت انسانی‌اند، بهتر است با حضور در مراکز نگهداری سالمندان، کودکان بی‌سرپرست، کودکان بیمار و غیره و مصرف بخشی از ثروت خود در راه بهزیستی این افراد، مهربانی را در الگوی رفتار صحیح آن نشان دهند.